

■ افتخار و آفرین بر شهدای حوزه و روحانیت که در هنگامه نبرد رشته تعلقات درس و بحث و مدرسه را بریدند و عقالت تمنیات دنیا را از پای حقیقت علم برگرفتند و سبک بالان به میهمانی عرشیان رفتند و در مجمع ملکوتیان شعر حضور سروده‌اند. سلام بر آنان که تا کشف حقیقت تفقه به پیش تاختند و برای قوم و ملت خود مُنذران صادقی شدند که بند بند حدیث صداقتشان را قطرات خون و قطعات پاره پاره پیکرشان گواهی کرده است و حقا از روحانیت راستین اسلام و تشیع جز این انتظاری نمی‌رود که در دعوت به حق و راه خونین مبارزه مردم، خود اولین قربانی‌ها را بدهد و مُهر ختام دفترش شهادت باشد.

■ هفته‌نامه افق حوزه - ویژه‌نامه دومین کنگره بین‌المللی بزرگداشت ۱۴۰ شهید روحانی مدافع حرم ایران، افغانستان، پاکستان، سوریه و عراق ■ اسفند ۱۳۹۷ | جمادی الثانی ۱۴۴۰ | فوریه ۲۰۱۹ |



## طلیعه سخن

## مرکب خون، سند تاریخ‌ساز حوزه‌های علمیه



در طول تاریخ حوزه‌های علمیه مرجعیت و روحانیت در شکل‌گیری فرهنگ جهاد و شهادت نقشی اساسی و مهم داشته است و تکریم شهید پیش از آن‌که تکریم فرد باشد تکریم ارزش‌های انسانی است.

کردند و با تمام دنیایشان برای مقابله با نور انقلاب به پا خواستند و در سال‌های بعد از جنگ نیز با تحریم و جنگ نرم، دشمنی خود را ادامه دادند؛ اما

با این حال انقلاب اسلامی مرزهای جغرافیایی را در نوردید و در دل‌های تشنه مسلمانان جای گرفت و سنگ‌های این انقلاب در فرسنگ‌ها دورتر و در دل کشورهای اسلامی و نزدیک مرزهای رژیم اشغالگر قدس شکل گرفت و در سال‌های اخیر با شکل‌گیری موج بیداری اسلامی، بغض و عداوت مستکبرین بیش از پیش گردید تا با شکل‌دهی جریان‌های تکفیری فاسد و منحرفی هم‌چون داعش و با نام اسلام، جریان بیداری اسلامی را به انحراف بکشاند.

این جریان‌های تکفیری که متأسفانه مورد حمایت سرمداران خودفروخته برخی کشورهای اسلامی نیز هستند با ایجاد تفرقه میان مسلمانان، سعی در پیشبرد اهداف صهیونیسم دارند و با بدوچه کشورهای اسلامی و به نام اسلام به کشتار

انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی علیه السلام بارقه امید در دل مظلومان و مستضعفان عالم ایجاد کرد و به فرموده امام خامنه‌ای دامت برکاته «دنیای اسلام پس از رخوت و خواب آلودگی درازمدت و خسارت بار خود که سرانجام به سیطره سیاسی و فرهنگی بیگانگان انجامید و منابع مادی و بشری‌اش در خدمت رشد و اقتدار و سلطه دشمنانش قرار گرفت» نسیم بیداری را حس کرده و عطر بازگشت به معارف اسلام را با پیروزی انقلاب اسلامی و برقراری حکومت دینی بوید، مورد توجه جدی ملت‌های مسلمان قرار گرفت تا جایی که به جرأت می‌توان گفت شکل‌گیری بیداری اسلامی نشأت گرفته از انقلاب اسلامی ایران بود.

مقام معظم رهبری بر این امر تأکید داشته و فرمودند: «ثبات و استمرار و استقرار نظام جمهوری اسلامی از جمله مهم‌ترین عواملی بوده است که ملت‌های منطقه و ملت‌های مسلمان را امیدوار کرده و می‌توان گفت نقش مؤثری در ایجاد این حرکت عظیم اسلامی منطقه و آزادی و بیداری ایفاء کرده است.»

توجه جهانیان به‌ویژه ملت‌های مسلمان و هم‌چنین آزادی‌خواهان جهان به انقلاب اسلامی و ماهیت استکبارستیزی آن، باعث گردید تا از همان روزهای آغازین پیروزی انقلاب، حقد و کینه مستکبران آشکار و دشمنی‌های خود را با ایران اسلامی آغاز نمایند که هم‌گام با تئور شخصیت‌های انقلابی و راه‌اندازی آشوب‌های داخلی، جنگ هشت ساله‌ای را بر ما تحمیل

مردم مسلمان پرداخته و با بهانه‌های واهی که بی‌شک توطئه و نقشه استکبار جهانی و شیطان بزرگ آمریکاست، منطقه را ناامن کرده و با افکاری شوم، قصد تعرض به حرم و حریم اهل بیت علیهم السلام در عراق و سوریه دارند؛ تا نگذارند مسلمانان قوت بگیرند و با احکام الهی و آموزه‌های وحیانی خود سرنوشت و زندگیشان را بسازند و جهانیان را با اسلام ناب آشنا کنند که اگر چنین شود دل‌های تشنه مردمان غرب و شرق شیفته معارف والاّی اسلام خواهند شد و دیگر محلی برای جولان صهیونیسم و طاغوت نخواهد ماند. سرمداران طاغوت با استفاده از عناصر خود در کشورهای اسلامی و منطقه و برای جلوگیری از گسترش اسلام انقلابی؛ اسلام تکفیری، سلفی و وهابی را ساخته و حمایت نمودند تا با استفاده از رفتار و عقاید آنان، اسلام‌خواهی جهانیان را تبدیل به اسلام‌هراسی کنند و فرصت به‌دست آمده از بیداری اسلامی را از بین ببرند لیکن با ظهور مدافعان حرم مواجه شدند که این مجاهدان عرش‌نشین، با ایستادگی، مقاومت و شهادت خود مستکبرین را در رسیدن به نیت پلیدشان ناکام گذاشته‌اند.

حضور تکفیری‌های داعش، باعث شکل‌گیری جریان مقدس مدافعان حرم در کشورهای ایران، عراق، سوریه، لبنان، افغانستان، پاکستان و سایر کشورها شد و شیعیان و حتی برادران اهل سنت نیز شهادایی در راه مقابله با گروه‌های تکفیری تقدیم اسلام کردند که برخی از این شهدا در کسوت مقدس روحانیت بوده و علاوه بر تبلیغ گفتاری، در میدان عمل نیز وارد شده و لباس رزم بر تن کردند و در دفاع از حریم اهل بیت علیهم السلام به شهادت رسیدند. شهدای بزرگوار که امام راحل علیه السلام به ایشان سلام داده و خطابشان می‌کند:

«سلام بر حماسه‌سازان همیشه جاوید روحانیت که رساله علمیه و عملیه خود را به دم شهادت و مرکب خون نوشته‌اند و بر منبر هدایت و وعظ و خطابه ناس از شمع حیانتشان گوهر شب چراغ ساخته‌اند. افتخار و آفرین بر شهدای حوزه و روحانیت که در هنگامه نبرد رشته تعلقات درس و بحث و مدرسه را بریدند و عقالت تمنیات دنیا را از پای حقیقت علم برگرفتند و سبک بالان به میهمانی عرشیان رفتند و در مجمع ملکوتیان شعر حضور سروده‌اند.»

و از آن‌جایی که در طول تاریخ حوزه‌های علمیه، مرجعیت و روحانیت در شکل‌گیری فرهنگ جهاد و شهادت نقشی اساسی و مهم داشته است و تکریم شهید پیش از آن‌که تکریم فرد باشد، تکریم ارزش‌های انسانی است دومین کنگره بزرگداشت شهدای روحانی مدافع حرم به جهت پاسداشت مجاهدت ایشان و ترسیم نقش ویژه روحانیت در دفاع از حرم و حریم اهل بیت علیهم السلام برگزار می‌گردد.

نوجوانان و جوانان به محافل مذهبی، موفق‌تر از بسیاری از هم‌قطاران خود باشند. دوران جوانی مصطفی که همراه شده بود با برپایی کلاس‌ها، برگزاری اردوهای فرهنگی و نظامی و نیز ارائه سخنرانی در تشکل‌های مذهبی، نقطه عطف زندگی او است؛ نقطه طغی که بسیاری از داشته‌ها و توانایی‌های او را متجلی ساخت و در باروری استعداد‌های او متأثر بود.

احساس مسئولیت اجتماعی همراه با تبلیغ و نشر معارف دینی، مصطفی را از مسائل خانوادگی و شخصی بازداشت. او در بیست‌ویک سالگی، اقدام به ازدواج نمود که ثمره آن، دو پسر و یک دختر به نام‌های فاطمه و محمدعلی است؛ اکنون دیگر مصطفی مسئولیتی دوچندان یافته بود، هم پدر بود، هم همسر بود و هم مسلمانانی مؤمن و انقلابی.

همین روحیه مسئولیت‌پذیری موجب شد که پس از حمله دشمنانه جنایتکارانه‌ی چون داعش به حریم اهل بیت در سوریه، او برای دفاع از حرم منادی حماسه حسینی، حضرت زینب علیها السلام، راهی سوریه شود و در سال ۱۳۹۲ با نام جهادی سیدابراهیم، به‌صورت داوطلبانه، لباس رزم بپوشد تا در این عرصه نیز چون دیگر عرصه‌های زندگی‌اش، سرمشق خوبان باشد.

روح نوجوانی او در بهشت شهیدان، مأوی گردید و پیکر رشادت‌ها و شجاعت‌های مصطفی خیلی زود او را به فرماندهی گردان عمار و جانشین فرمانده تیپ فاطمیون رسانید، تا با علمداری خویش، پرچم سرخ شیعه را در قلمرو شامیان، هم‌چنان برافراشته نگاه دارد.

مرگ مصطفی نیز هم‌چون زندگی و حیانتش، پراز معنا و مفهوم است؛ اساساً مرگ هرکس، نمودی از سیر کلی عمر اوست؛ مرگ مصطفی نه جان دادن در بیستر بود و نه مردن در روزمرگی؛ او در روز تاسوعای حسینی، مقارن با یکم آبان ۱۳۹۴، پس از چندین بار زخمی شدن، «شهید» شد؛ او با شهادتش، مردن را میراند و زنده ماندن را برای همیشه تاریخ برگزید؛ و چه زیننده

- تاریخ تولد: ۱۳۶۴/۳/۲۶
- تاریخ شهادت: ۱۳۹۴/۱/۳۱
- تحصیلات: درس خارج
- محل شهادت: سوریه، درعا، بصری الحریر
- مزار شهید: جاویدالآثر

### زندگی‌نامه

شهید حجت‌الاسلام محمدمهدی ملامیری از شهدای روحانی مدافع حرم و از چهره‌های شاخص آنان به شمار می‌رود. او که پیش از جبهه‌های نبرد نظامی، در جبهه‌های فرهنگی و علمی نیز استعداد شگرفت خود را به اثبات رسانیده بود، به‌عنوان «عالمی عامل» پس از جهاد اکبر درونش و پیروزی بر سیاهی‌های نفسانی، راهی سوریه شد و برای مبارزه با خصم بیرون نیز مجاهدت‌ها نمود و در آخر، پاداش این مجاهدت‌ها را با نوشیدن شهد شیرین شهادت، به جان پذیرا شد.

عنصر اصلی شخصیت محمدمهدی، پیش از عزیمت به سوریه، علم‌اندوزی او می‌باشد. او که پس از گذراندن دوره‌های ابتدایی و راهنمایی با رتبه‌های درخشان، وارد حوزه علمیه شده بود، طولی نکشید که با سخت‌کوشی و تهذیب به‌عنوان طلبه‌ای ممتاز شهرت یافت و از محضر اساتید و بزرگان، بهره‌های فراوان برد. شهید ملامیری پس از گذراندن دروس سطح، در حلقه درس خارج اساتیدی چون حضرات آیات عابدی، آملی لاریجانی، شب‌زنده‌دار، مدرسی یزدی، سیفی مازندرانی و... زانوی ادب زد و با پشتکار فراوانی که داشت قبل از رسیدن به سی سالگی، به‌عنوان فاضلی سخت‌کوش در حوزه‌های علمیه کاشان، جامعه‌المصطفی

- تاریخ تولد: ۱۳۶۹/۱۱/۱۵
- تاریخ شهادت: ۱۳۹۴/۴/۲۸
- تحصیلات: سطح ۳
- محل شهادت: عراق، بیجی
- مزار شهید: قم، گلزار شهدا

### زندگی‌نامه

سیدمحمد موسوی ناجی از اتباع عراقی ساکن ایران و از طلاب بسجی جامعه المصطفی العالمیه بود. او بارها از سوی جامعه‌المصطفی به‌عنوان مبلغ به جبهه‌های نبرد عراق اعزام شد و در این مأموریت تبلیغی با سپاه بدر عراق همکاری می‌کرد. سیدمحمد در نیمه بهمن سال ۱۳۶۹ با به عرصه گیتی نهاد و در یک خانواده با پیشینه رزمندگی رشد کرد و از همان دوران کودکی یعنی زمانی که تنها ۶-۵ سال داشت علاقه‌مند به اهل بیت بود. برای آن‌ها مداحی می‌کرد. او که درس طلبگی را تا سطح ۳ حوزه خوانده بود، شاگرد علم و معرفت حوزه بود و کمال عشق را



اولین شهید روحانی مدافع حرم حجت‌الاسلام محمدمهدی ملامیری کجوری

العالمیه و مؤسسه حضرت جواد الائمه علیهم السلام به تدریس دروس سطح (رجال، درایه، رسائل، حلقات و کفایه) پرداخت. اما فعالیت‌های تبلیغی را تا هنگام شهادت به‌عنوان تکلیف و وظیفه شرعی، بی‌هیچ بهانه و توجیهی انجام می‌داد. از ویژگی‌های بارز ایشان، خوشرویی و آراستگی ظاهری و پرداختن به ورزش بود و همین امر در کنار تواضع و اخلاص، ایشان را محبوب دل جوانان می‌کرد. پرهیز از حاشیه و هیاهو و نیز دوری از خودستایی و فخرفروشی، شاخصه دیگر ایشان

در دفاع از حرم یافت. وی ۲۸ تیرماه ۱۳۹۴ در روستای «المرعه» از توابع شهر «بیجی» در استان «صلاح الدین» عراق بر اثر اصابت مین کاشته شده توسط گروه تروریستی داعش به شهادت رسید.

### فرازی از وصیت‌نامه شهید

توصیه من به جوانان این است: که امروز شیعه در غربت به سر می‌برد و تحت فشار استکبار است، جهت رهایی از این مظلومیت برای فرج امام زمان دعا کنید که حتما فرج و گشایشی برای خودتان است و تا آن موقع باقی اعتقادات خود بایستید و هرگز تن به ذلت ندهید حتی اگر به قیمت جانتان باشد که جان ما عزیزتر از جان عزیز فاطمه نیست... توصیه من به ملت خود و تمامی شیعه این است: پشت رهبر محکم بایستید تا دشمن نتواند برای ما برنامه ریزی بکند. دشمن ما برای داشتن مثل همچنین فرشته ای دارد غیبه می‌خورد و ما باید قدرش را بدانیم.

رفتم یقین داشتم.



شهید حجت‌الاسلام سید محمد موسوی ناجی

از همسر عزیزم می‌خواهم که بنده را ببخشد زیرا که همسر خوبی برای او نبودم. به همسر عزیزم می‌گویم می‌دانم که بعد از بنده دخترم تیمم می‌شود و شما اذیت می‌شوید اما یادت باشد که رسول خدا فرموده: هرکس که تیمم شود خدا سرپرست اوست ایمان داشته باش که خدا همیشه با توست.

آرزو دارم که دخترم فاطمه، فاطمی تربیت شود یعنی مدافع سرسخت ولایت، از دوستان، آشنایان و فامیل و هرکس که حقی گردن ما دارد تقاضا می‌کنم بنده حقیر را ببخشد زیرا می‌دانم که اخلاق و رفتار من آن قدر خوب نبود که توفیق شهادت داشته باشم و این که نصیب ما شد لطف و کرم و هدیه خدا بود. مردم عزیز ایران یادمان باشد که به‌خاطر وجب به وجب این سرزمین و دین اسلام چقدر خون دادیم چقدر بچه‌های ما تیمم شدند، زن‌ها بیوه، مادرها محزون، پدرها گریان فقط و فقط برای خدا بود. در این ماه مبارک رمضان دل ما شکست، دل امام زمان بیشتر و بیشتر که در مملکت شهدا حرمت ماه خدا توسط بعضی‌ها نگاه‌داشته نشد و برادران و خواهران من ماهواره و فرهنگ کثیف غرب مقصدی به جز آتش دوزخ ندارد. از ما گفتن ما که رفتیم...

آن کس که تو را شناخت جان را چه کند فرزند و عیال و خانمان را چه کند دیوانه کنی هر دو جهانش بخشی دیوانه تو هر دو جهان را چه کند بی‌بی زینب آن زمانی که شما در شام غریب بودید گذشت دیگر به احدی اجازه نمی‌دهیم به شما و به سلاله حسین علیهم السلام بی‌احترامی کند. دیگر دوران مظلومیت شیعه تمام شده. بی‌بی‌جان انی سلم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم بی‌بی عزیزم مرا قاسم خطاب کن مرا قاسم خطاب کن روی خون ناقابل من هم حساب کن.

روحش شاد و راهش پر رهرو باد



طلبه شهید مصطفی صدرزاده

بود بر قامت مصطفی زای شهادت و چه زیننده‌تر برای او، نام شهید و آوازه مدافع حرم بودن.

روح ملکوتی او در بهشت شهیدان، مأوی گردید و پیکر پاکش، پس از بازگشت به ایران، برای همیشه، در آغوش گلزار شهدای بهشت رضوان شهیرار، آرام گرفت.

### وصیت‌نامه شهید

بسم رب‌الشهدای والصدیقین خدایا بر محمد و آل محمد درود فرست، سپاس خدایی را که بر سر ما منت نهاد و از میان این همه مخلوق ما را انسان خلق کرد. شکر خدایی را که از میان این همه انسان ما را خاکی مقدس به نام ایران قرار داد. و شکر خدایی را که به بنده پدر و مادر و همسر صالح

عطا کرد.

و شکر بی‌پایان خدایی را که محبت شهدا و امام شهدا را در دلم انداخت و به بنده توفیق داد تا در بسج خادم باشم. خدایا از تو ممنونم بی‌اندازه که در دل ما محبت سیدعلی خامنه‌ای را انداختی تا بیاموزد درس ایستادگی را، درس این‌که بزرگواران دوران را بشناسیم و جلوی آن‌ها سر خم نکنیم.

از تمام دوستان و آشنایان در ابتدای وصیت‌نامه خویش تقاضا دارم به فرامین مقام معظم رهبری گوش دهند تا گمراه نشوند. زیرا ایشان بهترین دوست شناس و دشمن شناس است. از پدر و خانواده عزیزم تقاضا دارم برای بنده بی‌تابی و ناراحتی بیش از حد نکنند و اشک‌ها و گریه‌های خود را نثار ابا‌عبدالله و فرزندان آن بزرگوار کنند.

پدر و مادر و همسر و دخترم از شما تقاضا می‌کنم بنده رو ببخشید و از خدا بخواهید بنده رو ببخشید چقدر در حق پدر و مادر کوتاهی کردم چقدر شما را به در دسر انداختم فقط خدا شاهد تلاش شما بود که در زمان جنگ باید سختی و مشقت از من نگاه‌داری کردید و بعد از جنگ هم برای درس خواندن من چقدر سختی کشیدید. فقط خدا می‌داند که چقدر نگران کرده‌ام اذیت کرده‌ام و شما تحمل کردید زیرا تلاش می‌کردید تا فرزندان عاقبت به خیر شود از شما ممنونم که همیشه انتخاب را به عهده خود گذاشتید. حتی وقتی در نوجوانی می‌خواستم به نجف برای تحصیل بروم مخالفت نکرده و از این‌که همیشه به نظر من احترام گذاشتید ممنونم حالا هم از شما خواهش می‌کنم یکبار دیگر و برای آخرین بار به نظر احترام بگذارید و از هیچ‌کس و از هیچ نهادی دلخور نباشید مبارزه با دشمنان خود آرزوی بنده بود و فقط خدا می‌داند برای این آرزو چقدر ضجه زدم و التماس کردم ممکن است بعضی‌ها به شما طعنه بزنند اما اهمیت ندهید بنده به راهی که



**امام خامنه‌ای**

• حقیقتاً هم شهدای شما، هم خانواده‌ها، پدران، مادران و فرزندان آنان، حق بزرگی بر گردن همه ملت ایران دارند. این شهدای شما... اگر مبارزه نمی‌کردند. ما باید این‌جا در کرمانشاه و همدان و بقیه استان‌ها با این‌ها می‌جنگیدیم و جلوی این‌ها را می‌گرفتیم. در واقع این شهدای عزیز ما جان خودشان را در راه دفاع از کشور، ملت، دین، انقلاب اسلامی فدا کردند. • خدمت به کشور فقط تأمین آب و نان نیست بلکه بالاتر از آن، تأمین امنیت است و شهیدان و مدافعان حرم و مرزها و شهرهای کشور، با تأمین امنیت، حق حیات بر گردن کشور دارند.



**شهید حجت‌الاسلام محمود کلانی**

- تاریخ تولد: ۱۳۶۳/۱/۱
- تاریخ شهادت: ۱۳۹۲/۶/۳
- تحصیلات: سطح ۳
- محل شهادت: سوریه، حومه درعا، عملیات تل قرین
- مزار شهید: مشهد مقدس، بهشت رضا (ع)

**زندگی‌نامه**

حجت‌الاسلام والمسلمین محمود کلانی در بهار سال (۱۳۶۳) در خانواده‌ای مذهبی و اصیل به دنیا آمد. او کودکی خود را در مشهد و در کنار بارگاه امام رضا (ع) پشت سرگذاشت و در سن شانزده سالگی وارد دبیرستان سیدالشهداء شد. محمود پس از اخذ دیپلم، به جامعه‌المصطفی‌العالمیه راه یافت و تا سطح سه حوزه ادامه داد و همزمان با آن، موفق به اخذ کارشناسی ارشد رشته کلام اسلامی شد.

شهید محمود کلانی، در کنار فعالیت‌های تحصیلی و آموزشی، از فعالیت‌های پژوهشی، فرهنگی، مذهبی و اجتماعی نیز غافل نبود؛ تأسیس انجمن علمی فرهنگی ابن‌سینای بلخی در سال (۱۳۸۵) به همراه چند تن از دوستان، برگزاری همایش‌های متعدد مذهبی و فرهنگی، هم‌چنین راهاندازی جلسات هفتگی دعای توسل عاشقان ولایت اهل‌بیت (ع) از جمله این فعالیت‌ها محسوب می‌شود.

به گواهی دوستان و نزدیکان محمود، وی دارای خصوصیات نیک و محاسن اخلاقی بود؛ او فردی متواضع، ساده، بی‌ریا، متبسم و شوخ‌طبع، پرتحرک، سرشار از امید به آینده، مثبت‌اندیش نسبت به مسایل اجتماعی، دل‌سوز و مشوق دیگران در خیرات بود. همین نیک‌خلقی و خوش‌اخلاقی موجب شده بود تا محمود، محبوب دل دوستان باشد.

شهید کلانی، عشق و ارادت عظیم به اهل‌بیت (ع) مخصوصاً امام حسین (ع) داشت؛ او از همان دوران کودکی با مولایش حسین بن علی (ع) عهدی دیرینه داشت و همین جذبۀ عشق و محبت، او را سالک راه مولایش نمود. محمود که پس از هجوم تکفیری‌ها به حرم اهل‌بیت (ع)، برای دفاع از حرم پیام‌آور کربلا، عازم سوریه شده بود، بالاخره، در نبرد با دشمنان اهل‌بیت و یزیدیان زمانش، راه حسین (ع) را ادامه داد و چون او جان خویش را فدای اسلام نمود.

روحش شاد و راهش پررهو باد

از غیبت و تهمت؛ تنها بخشی از خصال نیکوی آن شهید بزرگوار بود. در رأس تمام این محاسن اخلاقی، عشق و ارادت ایشان به اهل‌بیت قرار داشت که همین عشق و دلدادگی او را به دفاع از حرم اهل‌بیت (ع) سوق داد و نامش را برای ابد، در دفتر سرخ شهادت، منقوش ساخت.

**وصیت‌نامه شهید**

بسمه‌تعالی  
 اِنَّ الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا وَ الَّذِیْنَ هَاجَرُوْا وَ جَاهَدُوْا فِیْ سَبِیْلِ اللّٰهِ اُولٰٓئِکَ یَرْجُوْنَ رَحْمَتَ اللّٰهِ وَ اللّٰهُ غَفُوْرٌ رَّحِیْمٌ  
 وقتی در سیما دیدم چه مظلومانه مردم بی‌دفاع سوریه را سرمی‌یزند و اشک‌های بچه‌های کوچک را می‌دیدم که پدر و مادر خود را یا سربریده‌اند یا تیرباران کرده‌اند نمی‌توانستم آرام و قرار بگیرم. خصوصاً وقتی که شنیدم به بازگاه ملکوتی حضرت زینب (ع) جسارت کرده‌اند و تیر به طرف گنبد شلیک کرده‌اند دنبال فرصتی بودم که بیایم خود را مدافع حرم کنم و از حریم رسول خدا (ص) دفاع کنم که خدا توفیق داد و توانستم در این امر بزرگ شرکت کنم و از خداوند بابت این، شکرگذارم. امید به رحمت و غفران خداوند را دارم که این بنده گناهکار خود را قبول کند و عاقبت به خیرم کند. ان‌شاءالله

ای دوستان و عزیزان امروز ندای (هل من ناصر ینصری) امام حسین (ع) به گوش می‌رسد و باید جواب بدهیم فاطمه را داد. امروز ظلم یزیدیان دوباره به شام و عراق برگشته، همان کسانی که سر امام حسین (ع) را از تنش جدا کردند. امروز باقی‌ماندگان آن‌ها به اسم اسلام و قرآن دارند بی‌گناهان را می‌کشند و نام اسلام را در دنیا بدنام می‌کنند. وظیفه من و شما این است که از اسلام دفاع کنیم و اسلام واقعی را به تمام جهان معرفی کنیم.

حرف ولی زمان خود را گوش کنیم، چشمان ما به دهان او باشد، او هرچه گفت عمل کنیم. امروز خداوند به ما یک نعمتی داده که کشورهای دیگر ندارند، آن هم ولی فقیه است. قدر آن را بدانیم و پشت سر او حرکت کنیم، لحظه‌ای به خود اجازه ندهیم بدخواهان به او نگاه بدی داشته باشند. اگر در کشورهای دیگره هرج و مرج حاکم است و سالیان سال جنگ و خون‌ریزی دارند به‌خاطر همین است که ولی فقیه ندارند، همان‌طور که امام (ع) فرمودند: «پشتیبان ولی فقیه باشید تا به مملکت شما آسیبی نرسد» واقعاً امروز به‌خوبی این امر احساس می‌شود.

خدا را شکر آزان وقتی که خود را شناختم در راه مستقیم ولی فقیه بودم و یک لحظه هم در این راه شک نکرده‌ام. اگر الان هم آمده‌ام در این‌جا به‌خاطر امر ولی زمان است و افتخار می‌کنم به‌عنوان مدافع اسلام و قرآن و حرم اهل‌بیت (ع) در این‌جا خدمت می‌کنم و از خداوند منان می‌خواهم که در این راه توفیق شهادت در راه خودش را نصیبم کند. ان‌شاءالله برادران و خواهران عزیزم همیشه به یاد اسلام باشید و دین خدا را یاری کنید تا خداوند هم شما را یاری کند. انسان یک جان دارد و یک روزی از این دنیا خواهد رفت چه بهتر که در راه دین و قرآن و اهل‌بیت (ع) باشد.

روحش شاد و راهش پررهو باد



**شهید حجت‌الاسلام محمدعلی قلی‌زاده**

- تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۹/۴
- تاریخ شهادت: ۹۴/۱۱/۱۵
- تحصیلات: درس خارج
- محل شهادت: سوریه، عملیات آزادسازی نبل و الزهره
- مزار شهید: استان چهارمحال بختیاری، گلزار شهدای شهرقنیه

**زندگی‌نامه**

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدعلی قلی‌زاده در سال (۱۳۴۹) در خانواده‌ای عشایری متولد شد. او در مهرماه سال (۱۳۵۶) در یک مدرسه سیار عشایری در ایل ثبت‌نام کرد و تحصیلات خود را آغاز نمود. علی‌رغم کمبود امکانات آموزشی در محل زندگی محمدعلی، او چنان مهارتی در حل مسایل ریاضی داشت که دوستانش او را مغز کلاس می‌خواندند؛ او هم چنین بسیاری از اشعار حافظ و سعدی را حفظ بود و در غیاب آموزگار، خود معلم کلاس می‌شد. اخلاق نیکو، صورت همیشه خندان و شوخ طبعی‌های دوران مدرسه (ابتدایی) و خاطرات شیرین آن ایام، هنوز در زبان دوستان دوران مدرسه‌اش است.

شهید قلی‌زاده، در سنین نوجوانی، نام خود را در صف زینندگان دفاع مقدس ثبت کرد و اندکی رایحه خوش و معنوی آن فضای روحانی را استشمام نمود. وی پس از پایان جنگ تحمیلی وارد حوزه علمیه فرخ‌شهر شد و با علاقه و پشتکار مثال‌زدنی، به تحصیل علوم دینی پرداخت و بنا به گفته طلاب هم‌دوره‌اش، فردی منضبط، مقید، متدین، خوش برخورد و قائل به رعایت حریم دیگران بود. شهید قلی‌زاده پس از چندی تحصیل در حوزه علمیه فرخ‌شهر، برای ادامه تحصیل به شهر مقدس قم عزیمت نمود و در جوار کریمه اهل‌بیت (ع) سکنی گزید.

توجه به نماز اول وقت، احترام به پدر و مادر در حد اعلای آن، تقید به صلۀ رحم، دلجویی از خویشاوندان بسیار دور، کمک به مستمندان، ارتباط با دوستان قدیمی‌تر، حجب و حیای مسلمانان، دستگیری از احترام به کودکان و خردسالان، دستگیری از سالمندان، ساده‌پوشی اما خوش‌پوشی، پرهیز

کچ رفتن‌ها؛ پس حتی کوچک‌ترین شبها را هم به خود راه ندهید و کچ نشوید.



- تاریخ تولد: ۱۳۹۷/۲/۶
- تاریخ شهادت: ۱۳۹۵/۲/۱۷
- تحصیلات: درس خارج
- محل شهادت: سوریه، خان طومان
- مزار شهید: جاویدالآثر

**زندگی‌نامه**

حجت‌الاسلام مجید سلمانیان، در ششم

براین دنیا که با سازش شیطان به‌دست آید؛ اگر هدف این بود، پس چرا ائمه ما و پیامبر ما سازش نکردند. مگر حضرت رسول نفرمودند: اگر خورشید را در دست راست و ماه را در دست چپم بگذارند تا از رسالتم و هدفم دست بردارم هرگز چنین نخواهم کرد؟! مگر ائمه ما در این راه به‌خاطر عدم سازش با شیطان خود را فدا نکردند؟! اصلاً مگر ما نیامدیم تا دنیا را فدای آخرت نکنیم؟ پس حالا چرا دارند ما را فریب می‌دهند و آرمان‌هایمان را فدای دنیای خیالی می‌کنند؟! زهی خیال باطل که همین دنیا هم با سازش و با استکیار آباد نمی‌شود. مگر سیاست‌زده‌ها اعتقاد به آرمان‌های ابراهیم بخت‌شک زمان، خمینی کبیر، ندارند که این‌گونه مردم را خام تبلیغات دروغین خود می‌کنند؟! در کجای اسلام داریم که جواب سیلی دشمن، خنده است؟! مگر خدای متعال در قرآن نفرموده: جاهل‌الکفار و المنافقین واغظ علیهم؟ مگر نفرموده که اصحاب محمد (ص) نسبت به دشمنان سخت گیرند؟! مگر نفرموده یهود و نصاری هرگز از شما راضی نمی‌شوند مگر این‌که تابع آن‌ها شوید؟! اگر سخن خدا حق و صدق است پس این‌ها ما را به کدامین اسلام راهنمایی می‌کنند؟!

دوستان من؛ فریب اسلام آمریکایی را نخورید، نگذارید اسلام لیبرالی و تفکر اصلاحاتی در شما نفوذ کند. باور داشته باشید که جواب سیلی دشمن، سرب داغ است نه لبخند ذلیلانه، باور کنید که دشمن ما ضعیف است و این وعده خداست که اگر در مقابل کفر استقامت کنید پیروزی از آن شماست، شک به خودتان راه ندهید و پیرو ولایت فقه باشید و لاغیر؛ پیرو امام خامنه‌ای باشید نه کسان دیگر.

باور بکنید که این‌ها دارند دنیا و آخرت شما را بر باد می‌دهند، پس هوشیار باشید، بگذارید تعریف اسلام را از زبان نائب برحق امام زمان (عج) بشنویم نه کسانی که هر وقت فرصت پیدا کردند میدان دیدند حتی به خود خدا هم تاختند و اصول اسلام را زیر سؤال بردند.

ذات نایافته از هستی بخش کی تواند که شود هستی بخش نگذاریم آدم‌های کور عصا کش شما شوند، اجازه ندهید کسانی هادی و راهنمای شما شوند که خود راه را گم کرده‌اند. معیاران در سنخشن افراد حال فعلی آن‌ها باشد نه گذشته آن‌ها. قرآن می‌فرماید: بعضی‌ها اعمال گذشته خود را باطل می‌کنند؛ سخن قرآن مربوط به همه زمان‌هاست، باور کنید زبیری که دیروز سینه چاک پیامبر (ص) بود امروز در مقابل علی (ع) ایستاده است.

برادران و خواهرانم؛ نگذارید علی زمان تنها بماند که فردا ننگ ما در تاریخ ثبت شود؛ امروز هر کسی با نیتی به اعتقاد و افکار شما می‌تازد، یکی با تفکر لیبرالی، یکی با تفکر اصلاحات، یکی اسلام رحمانی، یکی جدایی دین از سیاست و...

شده از خود بپرسید چرا این همه تفکر انقلاب مورد هجوم است؟ مشخص است که دشمن خاک‌ریز اول را مورد هجوم قرار می‌دهد؛ اگر تفکر انقلاب حق نبود و ما خطری برای استکیار نداشتیم، مثلاً تفکر لیبرالی داشتیم یا اسلام ما مثل عربستان و پاکستان بود یعنی اسلام بی‌خاصیت، کسی با ما کاری نداشت؛ چون در آن صورت ما نوکران حلقه به گوش آن‌ها بودیم؛ پس بدانید که حق با ماست و حق با تفکر انقلابی است و پیروزی از آن اهل حق است، که حزب‌الله هم الغالبون، تردید نکنید که اگر مقاومت باشید آینده ایران که نه، آینده دنیا به‌دست شما رقم خواهد خورد.

آگاه باشید که دشمن دین شما را نه یک‌باره که به‌صورت فرسایشی مورد هجوم قرار می‌دهد، اگر هوشیار نباشید آن‌گاه به خود می‌آید که فرسنگ‌ها از اسلام ناب محمدی فاصله گرفته‌اید. مثل جنگ فرسایشی دشمن مثل جهت است در فاصله‌ای که اگر از مسیر کج بروی ولوبه اندازه چند درجه، موقعی که به مقصد می‌رسی می‌بینی که فرسنگ‌ها از مقصد دوری و کج رفته‌ای؛ پس حتی کوچک‌ترین شبها را هم به خود راه ندهید و کج نشوید.



**شهید حجت‌الاسلام سیداصغر فاطمی تبار (چرغندی)**

- تاریخ تولد: ۱۳۶۴/۱۱/۲۲
- تاریخ شهادت: ۱۳۹۴/۹/۱۶
- تحصیلات: سطح ۳
- محل شهادت: سوریه، تپه‌های العیش ذیطان
- مزار شهید: خوزستان، گلزار شهدای روستای قلعه حمود

**زندگی‌نامه**

شهید سیداصغر فاطمی تبار (چرغندی) در بیست و دوم بهمن ماه (۱۳۶۴) در شهرستان امیدیه، در دامان خانواده‌ای مذهبی و البته مستضعف دیده به جهان گشود. سیداصغر تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان خود را در همان شهر گذراند و پس از آن، در سال (۱۳۸۲) وارد حوزه علمیه مهدیه شهرستان امیدیه شد. شهید فاطمی تبار تحصیلات حوزوی خود را تا اتمام پایه پنجم در همان حوزه به پایان رساند و برای کسب معارف پیشتر، وارد حوزه علمیه امام شهرستان زین‌شهر صفهان شد و تا پایه نهم در همان حوزه کسب دانش نمود. سیداصغر قبل از محرم الحرام سال (۱۳۹۴) ازدواج نمود و اندکی بعد، ملیس به لباس مقدس روحانیت گردید. علاوه بر تحصیل در حوزه، سید بزرگوار ما، یکی از بسیجیان فعال پایگاه شهدای روستای قلعه حمود محسوب می‌شد و چند سال سرگروه حلقه صالحین و مسئول فرهنگی پایگاه و مسجد بود و کلاس‌های آشنایی با معارف دینی، احکام، تجوید قرآن و... برای جوانان برگزار می‌کرد.

به گواه اطرافیان و آشنایان، سیداصغر همواره باوری خوش بامرزم برخورد می‌کرد و هنگامی که به منزل می‌آمد، ابتدا پای مادر خود را می‌بوسید و ایشان را تبرک می‌کرد؛ مادرش نیز همیشه او را دعا می‌کرد و خیر دنیا و آخرت او را از خداوند مسئلت می‌نمود. مردم شهر امیدیه، از سیداصغر به عنوان یک الگوی نمونه، برای جوانان خود یاد می‌کنند.

بیش از چهار ماه از ازدواج سید نگذشته بود که غیرت دینی و اسلامی و در حقیقت، جذبۀ شهادت، او را به سوریه و نبرد با دشمنان اهل‌بیت (ع) کشانید و پس از اندکی نامش را بر جریده عالم به عنوان شهید مدافع حرم، جاودانه حک نمود؛ و چه زود به آرزوی خود رسید و یاس سرخ شهادت را بوید؛ او تنها بیست و یک روز پس از ورودش به سوریه، به آرزوی دیرینه همه خوبان عالم، رسید و در مقام شهید، مرزوق گشت.

شهید فاطمی تبار قبل از رفتن به سوریه، وصیتی نوشت که حاکی از آمادگی روحی او برای شهادت می‌باشد؛ او در وصیت‌نامه‌اش، محل قبر و نحوه تشییع خود را ذکر کرده بود و سفارش نمود که حتماً او را در مزار شهدای گمنام طواف دهند و آن‌گاه به خاک سپارند.

**وصیت‌نامه شهید**

خواهران، برادران، دوستان، همسایگان و هموطنان عزیزم خدای تبارک و تعالی دنیا را سرای گذر کرد، نه جای ماندن، و آخرت را جایگاه ابدی قرار داد تا آنان که در این دنیا در مرزعه عمر خود خوبی کاشتند سعادت ابدی درو کنند و آنان که به راه سرو ناپاکی رفتند مزد گمراهی خود را ببینند.

خدای متعال انسان را از دو جوهر مادی و معنوی آفرید تا انسان ترکیب شده از خاک و روح با اختیار خود و با ارشاد پیامبران امامان الهی و هدایت عقل راه خیر و سعادت را در پیش گیرد و دل از این دنیای گذرای فانی در کند و برای سرای ابدی بکوشد. برادرانم و خواهرانم؛ کدام عقل سالم و آگاه سرای ابدی را به زندگی کوتاه دنیا که پر است از درد و غم و سختی و رنج می‌فروشد؟! البته هیچ انسان آگاهی چنین معامله زیان‌باری نمی‌کند.

حتماً می‌پرسید پس چرا اکثر ما مردم گرفتار دنیا و هوس هستیم؟! این‌جاست که نقش شیطان مشخص می‌شود. شیطان با فریب انسان و اغفال انسان چشم و گوش آدمی را کور می‌کند و او را از خدا و آخرت غافل می‌کند تا عمر انسان به سرآید و با دست خالی و پرونده‌ای پراز گناه و غفلت از این دنیا ببرد. چه معامله بدی و چه بازار فریبنده‌ای، خوشا به سعادت آگاهان و مؤمنان.

برادرانم و خواهرانم؛ نگذارید شیطان فرصت عمر شما را که باید به جمع‌آوری توبه آخرت بگذرد، را تباہ کند؛ ناگهان بانگ برآمد، خواجۀ مرد، و دیگر پیشیمانی سودی ندارد. نگذارید شیاطین انس و جن شما را مشغول دنیا کنند. شیطان هر روز به شکلی و رنگی در می‌آید، گاهی در غالب سیاست‌مداران دنیا‌دیده در می‌آید که هم و غم خود را منافع حزبی خود می‌داند و برای رسیدن به منافع خود مردم بیچاره را فریب می‌دهند که با این وان سازش کنیم تا دنیایمان بهتر شود. ننگ

روحش شاد و راهش پررهو باد

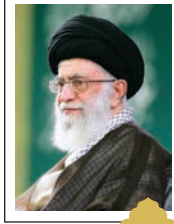


**شهید حجت‌الاسلام مجید سلمانیان**

**وصیت‌نامه شهید**  
 اگر خواستید نذری چیزی کنید فقط گناه نکنید... مثلاً بگید نذر می‌کنم به روز گناه نمی‌کنم هدیه به حضرت صاحب‌الزمان از طرف مجید...

یعنی از طرف من عمل و انجام بديد برای سلامتی و تعجیل در فرج امام زمان... یکی از مجرب‌ترین کارها برای آقا امام زمان اینه...

روحش شاد و راهش پررهو باد



امام خامنه‌ای

■ صف استوار آرزومندان این موهبت و کمر بستگان راه جهاد و شهادت در ایران اسلامی و در سپاه و همه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی صفا بلند و بنیانی مرصوص است؛ و منتهی من بینتظر و ما بذلوا تبدیلا.

■ امروز مسئله شهدای دفاع از حریم اهل بیت (ع) از آن ماجراهایی عجیب تاریخ است. ما در دوران جنگ جوان‌ها را تشویق می‌کردیم به این‌که بروید به میدان جنگ، می‌رفتند؛ امام یک سخنرانی می‌کردند، خیل جوان‌ها راه می‌افتادند می‌رفتند [اما] امروز ما چنین تشویقی نمی‌کنیم.

■ هفته‌نامه افق حوزة - ویژه‌نامه دومین کنگره بین‌المللی بزرگداشت ۱۴ شهید روحانی مدافع حرم ایران افغانستان، پاکستان، سوریه و عراق - اسفند ۱۳۹۷ | جمادی الثانی ۱۴۴۰ | فوریه ۲۰۱۹ |

- تاریخ تولد: ۱۳۵۹
- تاریخ شهادت: ۱۳۹۶/۴/۷
- محل شهادت: سوریه / حلب
- مزار شهید: نیشابور / شهرستان درود

زندگی‌نامه

شهید سیدهادی علوی‌نسب در یکی از روزهای گرم تابستان ۱۳۵۹ در خانواده‌ای در درود نیشابور دیده به جهان گشود. در نوجوانی ردای شاگردی مکتب امام صادق (ع) پوشید و وارد حوزه علمیه شد. در مدرسه حجت‌بن الحسن‌العسکری (ع) مشهد مشغول به تحصیل علوم حوزوی شد. سیدهادی در سه هفته‌سالگی ازدواج کرد و ثمره آن سه فرزند شد. پس از یازده سال زندگی در جوار امام زین‌العابدین (ع) سیدهادی در سال ۱۳۸۷ به‌عنوان مدیر حوزه علمیه بندر ترکمن انتخاب شد. فعالیت‌های وی باعث شد طلاب از مناطق اطراف بندر ترکمن هم راهی این حوزه شوند. طولی نکشید که به‌خاطر همین زحمات عنوان «مدیر نمونه» به ایشان اختصاص پیدا کرد. استان سیستان و بلوچستان و شهریارانشهری‌ها همه کمبودهایش، دومین مقصد سیدهادی بود. پس از آن مدتی نیز در حوزه علمیه شهریاروان غرب در استان ایلام خدمت نمود. شهید علوی‌نسب پس از چندین سال مدیریت حوزه‌های علمیه برای ادامه تحصیل راهی شهر قم شد.

در این سال‌ها علاوه بر تدریس و شرکت در دروس اساتید، به طلابی که از لحاظ درسی و مالی وضعیت مساعدی نداشتند، کمک می‌کردند و در حرم حضرت معصومه (ع) به آن‌ها تدریس می‌کردند.

سیدهادی بسیار زنیف و بخشنده بود و اعتقاد داشت رسیدگی به امور منزل، زن و مرد نمی‌شناسد. از این‌رو در کارهای خانه به همسرش کمک می‌کرد. کسانی که شهید را می‌شناختند، از اهتمام ویژه وی به نماز اول یادم می‌کردند. در کنار همه ویژگی‌های اخلاقی شهید، شاخص‌ترین ویژگی‌اش بی‌اعتنایی‌اش به دنیا بود. شاهد این ادعا داستانی از زبان همسر شهید است:

دلم رضایت نمی‌داد، می‌گفتم: سید شما همین که این‌جا به تحصیل، تدریس و انجام امور فرهنگی و تبلیغی بپردازید، از دفاع کمتر نیست و ایشان می‌گفتند: من از سلاله ساداتم؛ چطور انتظار داری در برابر این بی‌حرمی‌ها به بی‌بی زینب (ع) سکوت کنم. قرار بود ساعت دو نیمه شب راهی شود. این بار ساکش را خودش بسته بود. امیدوار بودم که خواب بماند و نرود، اما انگار کسی او را راس همان ساعت بیدار کرد و آماده رفتن شد و گفت: الان بی‌بی زینب (ع) به ما احتیاج دارد، نباید حتی اجری از حرم بی‌بی کم شود. گفتم: بچه‌ها بهانه‌ها را می‌گیرند. گفت: بی‌بی خودش هوای همه چیز را دارند. آن‌شب با این‌که قبل از خواب با بچه‌ها خداحافظی کرده بود، اما دوباره صورت تک‌تک آن‌ها را بوسید و دستش را از دست‌هایشان جدا کرد و رفت... و این آخرین دیدارمان شد...

سیدهادی قبل از عزیمت به جبهه، ماشینش را در پارکینگ گذاشت و سونچش را به یکی از دوستانش داده بود. یک روز دوستش به من گفت سونچ داخل ماشین شکسته، چه کنم؟ من هم شب در تماس تصویری که با سید داشتم موضوع را مطرح کردم و پرسیدم: حالا باید برای



شهید حجت‌الاسلام سیدهادی علوی‌نسب

ماشین چه کار کنیم؟

سیدهادی مشتکی خاک در دستش گرفت و دوباره به زمین ریخت و گفت: هیچی به اندازه خاک مقدس حرم بی‌بی ارزش ندارد. مال دنیا را رها کن، اصلاً فکرتش را هم نکن. همسر شهید آخرین مکالمه خود با شهید را این‌گونه روایت می‌کند:

پانزدهم ماه مبارک رمضان بود که سید با من تماس گرفت و گفت: عملیات سختی در پیش داریم و تا لحظاتی دیگر

عازم عملیاتیم. شب منتظر تماسم باش، ان‌شاءالله عید فطر برمی‌گردد، اما در آخر حلالیت طلبید و گفت: ما محاصره شدیم، اگر نیروهای کمکی برسند امیدوی هست، در غیر این صورت حلال کن. بعد از آن دیگر از سید خبری نشد، خیلی نگران بودم، صبح عید فطر رفتم حرم حضرت معصومه (ع) و خواستم مرا از این نگرانی درآورد.

شهید سیدهادی علوی‌نسب پس از سال‌ها مجاهدت در سنگر علم و تبلیغ مکتب اهل بیت (ع) سرانجام و در چهاردهم تیر ۱۳۹۶ در جبهه نبرد علیه دشمن تکفیری به آرزوی همیشگی‌اش دست یافت و به مقام شهادت رسید.

وصیت‌نامه شهید

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم  
پروردگارا آن‌قدر در گناه و فساد بوده‌ام که اکنون قدرت این‌که قلم به‌دست گیرم و وصیتی را بنویسم ندارم، چون معتقدم پاکان و زاهدان خدا لایق شهید شدن می‌باشند.

بار الهی، زیاد در تلاش بودم تا در مسیر تو باشم و برای تو بنده‌ای مخلص باشم هر چند که لطف تو شامل حالم بوده ولی، شرمنده و سرافکننده‌ام و امید به بخشش دارم. خدایای پرورش دهنده محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین. دردمند و شکسته‌ام و روحم از شدت درد می‌سوزد و بدان امیدم که این جان بی‌ارزشم را با یاریت در راه اسلام قرار دهم تا شاید برای محو شدن گناهانم کفاره‌ای باشد و یا توپام را بپذیری و پیامیزی که در هر حال بر تو محتاجم و ناامید نیستم. زیرا بنده تو هستم و می‌دانم که خدای من ارحم‌الرحمین است.

همسر عزیزم هم چون فاطمه زهرا (ع) در مقابل سختی‌ها و گرفتاری‌ها استوار باش. هر جا که هستی و هر موقع به یاد من افتادی در ازای گریه کردن هر چه می‌توانی دستم به سوی خدا بلندتر کن و خدا را شکر کن زیاد. ناراحت نشو که غمگین خواهم شد. به هر حال امیدوارم که از من راضی باشی. بعد از شهادتین صبر پیشه کن و عزا نگیر و خوشحال باش. من افتخار می‌کنم و با جوان‌هایی هستم که فقط هدفشان نابودی دشمنان اسلام است و در خط امام هستند. اگر بلدن ضعیف من هزاران تکه‌تکه شود، باز پرانم شیرین‌تر از آن است که در بستر بیماری از دنیا بروم. دوست دارم با چهره خوبی و بدن تکه‌تکه شده به درگاه الهی بروم.

همسر و فرزندانم از مال و منال شوم دنیا چیزی ندارم، آن‌چه را هم دارم در موردش خود می‌توانید تصمیم بگیرید و این تصمیم‌گیری را به عهده همسر می‌گذارم که عمری با من همراه و در کنارم بوده و زحمت کشید.

خب همسر عزیزم، همین قدر پولی که دارم برایم یک سال نماز و یک‌ماه روزه بگیرید؛ چون امکان دارد موقعی شاید پادم رفته باشد نماز بخوانم و روزه بگیرم. دیگر عرضی ندارم ولی از فرزندانم، برادرانم، خواهرانم، دوستان و آشنایان و اهل خصوصاً از همسایگان امید بخشش دارم.

در آخر همسر عزیزم اگر بیکرم به‌دست شما رسید از شما می‌خواهم که بیکرم در شهرستان قم در کنار شهیدان دفاع مقدس و در کنار سردار رشید اسلام برادر شهید مهدی زین‌الدین خاک کنید.

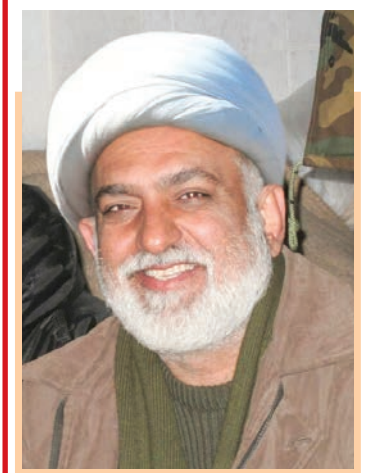
روحش شاد و راهش پررهو باد

- تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۶/۴
- تاریخ شهادت: ۱۳۹۶/۱۱/۱۹
- تحصیلات: درس خارج
- محل شهادت: سوریه، عملیات آزادسازی نبل و الزهرا
- مزار شهید: خوزستان، گلزار شهدای شوشتر

زندگی‌نامه

جانباز شهید حجت‌الاسلام مجید محمدی از بازماندگان و یادگاران هشت سال دفاع مقدس بود که در آن سال‌های جنگ و جهاد و حماسه، علی‌رغم حضور پنجاه ماهه در جبهه‌ها و نیز ناآل آمدن به درجه جانبازی، از کاروان شهدا بازماند و ذخیره‌ای شد تا در روزهایی که در خمیانی پلیدتر از بعضی‌ها، به حریم اهل بیت (ع) چشم طمع دوخته‌اند، با خون خود، مانع جنایت آنان گردد.

شهید محمدی پس از اتمام جنگ تحمیلی، رو به سوی جبهه علمی آورد و در این عرصه شروع به فعالیت کرد. او تحصیلات خود را در حوزه علمیه شوشتر و اهواز آغاز کرد و سپس در قم به تکمیل دروس خود پرداخت. این شهید والا مقام، سطح سه حوزه را در قم پشت سر گذاشته و چند سالی نیز در دروس خارج شرکت نمود. وی از شاگردان آیت‌الله استادی بود. شهید محمدی، علاوه بر این‌که در حوزه علمیه اهواز مسئولیت امور دینی طلاب را بر عهده داشت، از سال (۱۳۸۲) به بعد، شروع به تدریس نمود و در دانشگاه آزاد اسلامی و آموزشکده سما شوشتر دروسی هم چون معارف اسلامی، تاریخ اسلام، اخلاق اسلامی، اندیشه اسلامی، دانش خانواده و قرانت قرآن را تدریس کرد. نزدیکان شهید نقل می‌کنند که او همواره می‌گفت: «من فرزند هشت سال دفاع مقدس هستم و نمی‌توانم آرام بگیرم و جز با شهادت آرامش پیدا نمی‌کنم.» این بی‌قراری و بی‌تابی که حاصل روح عرشی آن شهید عزیز بود، عاقبت در ضمن عملیات آزادسازی دو شهر نبل و الزهرا



شهید حجت‌الاسلام مجید محمدی

و ستیز و... همگی در همین راستا است که نگذارند آدمی با آرامشی حاصل از صلح و دوستی بشریت به افکار و اندیشه‌ها مشغول باشند.

عزیزانم زیاد فکر کنید و زیاد مطالعه کنید و زیاد منشورت کنید که انسانیت و حتی دین‌دار بودن و دین‌دار ماندن در همین تفکر و اندیشه زیاد است.

۲. تاریخ و مطالعه تاریخ و تفکر در تاریخ همان تجربه ایست که شما جوانان به دنبالش هستید و اگر می‌خواهید یک‌بار زندگی کنید تا تجربه کنید و بار دیگر زندگی کنید تا تجربه‌ها را بکار بگیرید، مسئولیت زندگی اولیه را گذشتگان بر عهده گرفته‌اند و فقط شما کفایت کمی بنشینید و تاریخ را مطالعه کنید و مطمئن باشید با تجربه‌ای سنگین زندگی خواهید کرد، زندگی بدون اشتباه و سرشار از لذت چون صد درصد برگرفته از گذشته است و سالم.

۳. همیشه سعی کنید انسان زندگی کنید و انسانیت را در خود پرورش دهید و با اعمال و رفتار و زندگی درست خود به دیگران پیام‌ورید که انسان باشند و نتیجه این انسانیت کمک خداست که توفیق فهم دین را زیاد می‌کند.

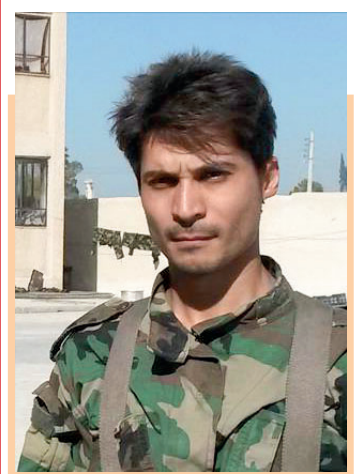
۴. دین و دین‌دار بودن و دین‌دار ماندن را از راه عقل و تفکر و اندیشه پیام‌ورید تا دین‌دار بودن لذت ببرد و عاشقانه خداوند را پرستش کنید. در سرنوشت‌ها و سرشت‌ها، اما بعد... خطاب به دانشجویان عزیزم و امیدان آینده ایران:

۱. تفکر و اندیشه است که انسان را خلیفه الله گردانید و همین تفکر و اندیشه است که انسان را متحول می‌کند و دشمنان انسانیت از همین راه برای ضربه زدن به انسان سوء استفاده کرده، بشریت را لکه‌دار کرده‌اند. دشمنان انسانیت اول تفکر و اندیشه را از انسان‌ها می‌گیرند و بعد سوار بر افکار و عقل‌ها به مقصد پلید خود می‌رسند. تبلیغات گسترده و ماهواره‌ها و ترویج ابتذال و مشغول کردن انسان به جنگ

- تاریخ تولد: ۱۳۶۲/۱/۱
- تاریخ شهادت: ۱۳۹۴/۱/۳۱
- تحصیلات: مقدمات
- محل شهادت: سوریه، عملیات بصری الحریر
- مزار شهید: قم، بهشت معصومه (ع)

زندگی‌نامه

سیدمجتبی حسینی از دانش‌آموختگان جامعه‌المصطفی‌العالمیه و از عاشقان خالص و واقعی امام حسین (ع) بود. سید، در میان دوستان و آشنایان به‌عنوان جوانی بسیار دوست‌داشتنی، مؤدب، بردبار، متواضع و کم‌حرف شهره بود. با این همه، او در کارهایش قاطع بود و پشت کار فراوانی داشت. سید مجتبی همزمان با تحصیل در جامعه‌المصطفی‌العالمیه، با برخی از شبکه‌های برون‌مرزی خارجی که از طرف استادان و طلاب مدرسه اهل‌بیت (ع) راه‌اندازی شده بود، همکاری فرهنگی داشت. عشق و ارادت سیدمجتبی به اهل‌بیت (ع)



طلبه شهید سیدمجتبی حسینی

به‌خصوص امام حسین (ع) و حضرت زینب (ع)، نشانگر روح خالص و ضمیر بیدار و پاک آن بزرگوار بود؛ اهتمام او بر شرکت در هیئت عزاداری و نیز دیگر جلسات مذهبی، از دیگر نشانه‌های این خلوص باطنی و روح بی‌آلایش است.

پس از حمله تجاوزکاران و بیبادگران تکفیری به سوریه، سید، وظیفه خود را در مقابله و مبارزه با آن پلیدان و دفاع از حرم حضرت زینب (ع)، دید و با عزمی راسخ، اهنگ دفاع از حرم آل‌الله نمود و با حضور در صف مدافعان حرم، مشغول جهاد با تکفیری‌ها شد. سیدمجتبی پس از رشادت‌های بسیار، در عملیات بصری الحریر و در آخرین روز فروردین سال (۱۳۹۴)، به فیض شهادت نائل آمد و با توجه به جانفشانی و ایثاری که از خود بروز داد، به‌عنوان اولین شهید فاطمیون، از دیگرهم‌قطاران سبقت گرفت و شهید فهمیده فاطمیون لقب گرفت.

روحش شاد و راهش پررهو باد

- تاریخ تولد: ۱۳۶۵/۱۰/۱۸
- تاریخ شهادت: ۱۳۹۴/۸/۲۵
- تحصیلات: سطح یک
- محل شهادت: عراق بیجی
- مزار شهید: اصفهان، گلستان شهدا

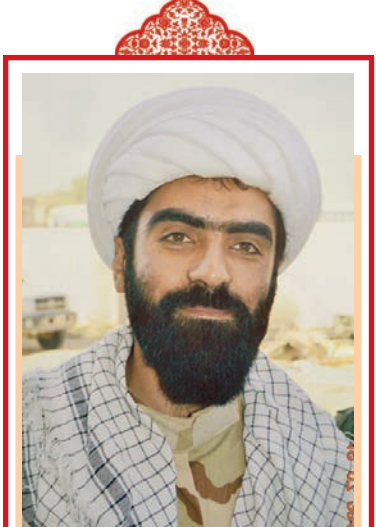
زندگی‌نامه

شهید احمد قنبری در هجدهم دی‌ماه ۱۳۶۵، در منطقه رهنان اصفهان متولد شد. وی پس از گذراندن دوران تحصیل، برای انجام خدمت مقدس سربازی راهی نیروی هوایی ارتش دزفول شد. پس از پایان خدمت سربازی در حوزه علمیه امام جعفر صادق (ع) اصفهان مشغول به تحصیل شد و پس از سه سال، راهی حوزه علمیه نجف اشرف شد. وی از شهریه طلبگی استفاده نمی‌کرد و برای امرار معاش در کارگاه آهنگری مشغول به کار بود.

پس از گذشت حدود چهار سال از تحصیل در حوزه و نجف و پس از حمله دشمن تکفیری

به عراق، با سرمایه عظیمی از تهذیب نفس، در حالی که به قول دوستانش تمام داراییش یک چمدان کهنه لباس و چند کتاب حوزوی بیش نبود، برای حضور در جبهه‌های نبرد با تکفیری‌ها از نجف راهی سامرا شد. با جدیت و سماجتی که داشت به جمع بچه‌های حزب‌الله عراق پیوست. با اصرار زیاد توانستیم فقط و فقط حدود ده روز او را به‌عنوان مربی عقیدتی و مترجم زبان عربی در آموزش نظامی در جمع خودمان نگه داریم؛ اما از آن‌جا که عاشق روزه‌ور بودن و جهاد علیه تکفیری‌ها و داعشی‌ها بود، تاب و قرار ماندن نداشت و پس از مدت کوتاهی به جمع رزمندگان در منطقه عملیاتی فلوجه عراق پیوست و از آن‌جا که با تهذیب نفس خود را آماده پرواز و مستحق پدیدن از قفس تنگ دنیا کرده بود، ۲۵ آبان ۱۳۹۴ مزد خویش را گرفت و به جمع شهدای مدافع حرم آل‌الله پیوست.

روحش شاد و راهش پررهو باد



شهید احمد قنبری

روحش شاد و راهش پررهو باد



**امام خامنه‌ای**

■ اگر این‌ها نمی‌رفتند و دفاع نمی‌کردند، امروز دشمنان اهل بیت (ع) حرم حضرت زینب (س) را با خاک یکسان کرده بودند. سامرا را با خاک یکسان کرده بودند و اگر دست‌شان می‌رسید کاظمین و نجف و کربلا را هم با خاک یکسان می‌کردند. ■ این‌هایی که می‌روند، یکی از احساسات و روحیه‌شان همین است که می‌خواهند از حرم اهل بیت (ع) دفاع کنند. پدرها و مادرهایشان هم همین‌طور. این خیلی با ارزش است؛ آن غیرتی که نسبت به اهل بیت (ع) که در هر مؤمنی باید وجود داشته باشد.



**حجت الاسلام والمسلمین محمد حسن دهقانی محمدآبادی**

تدریس، ساعتی نیز به‌صورت آزاد در مدرسه حضور داشته باشند تا بتوانند ارتباط چهره‌به‌چهره با طلاب را حفظ کنند. لب‌های خندان ایشان، هر طلبه‌ای را جذب می‌کرد. سخنرانی‌های جذاب و گیرا و تسلط بر فن خطابه، از مهارت‌های شهید بزرگوار است. علاقه سرشار ایشان به شهدا و ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، باعث شد تا به‌عنوان روایتگر در مؤسسه سیره شهدا فعالیت کند. از آخرین فعالیت‌های تبلیغی این شهید ولایت‌مدار، حضور تبلیغی. رزمی در جمع مجاهدان و مدافعان حرم در تابستان ۱۳۹۷ بود. سرانجام در روزاربعین حسینی در منطقه ریف، هنگام عزاداری برای ابوالفضل‌الحسین (ع) به شهادت رسید و در گلزار شهدای قم آرام گرفت. روحش شاد و راهش پربرورد باد

تحصیل، به امر تدریس اهتمام داشت و از سال ۱۳۸۵ به‌صورت جدی تدریس در حوزه را آغاز کرد. وی از اساتید برجسته احکام، منطق، ادبیات عرب و کارگاه‌های خودمدارس علمیه قم به‌شمار می‌رفت. استفاده از سبک‌های نوین تدریس از ویژگی‌های تدریس ایشان بود. علاوه بر تدریس دروس متداول حوزه، در ترویج مهارت‌های لازم طلبگی نیز بسیار کوشید. استاد دهقانی، در کنار تدریس دروس رسمی، به ترویج قرآن اهتمام داشتند که تدریس تفسیر موضوعی قرآن کریم در دانشگاه‌های مختلف کشور، از جمله دانشگاه امام صادق (ع) نمونه‌ای از آن است. از ویژگی‌های شاخص استاد دهقانی، می‌توان به روحیه بانشاط و ارتباط صمیمانه‌شان با طلاب اشاره کرد. ایشان می‌کوشیدند پس از اتمام

- تاریخ تولد: ۱۳۵۷/۷/۱
- تاریخ شهادت: ۱۳۹۷/۸/۸
- تحصیلات: درس خارج
- محل شهادت: سوریه
- مزار شهید: گلزار شهدای قم

**زندگی‌نامه**

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدحسن دهقانی محمدآبادی در اولین روز مرداد ۱۳۵۷ در خانواده‌ای مذهبی در شهریارک متولد شد و در همین شهر تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را گذراند. وی پس از دریافت مدرک دیپلم، در سال ۱۳۷۵ با علاقه‌ای که به تحصیل علوم دینی و سربازی امام زمان (عج) داشت، عازم شهر مقدس قم شد و در حوزه علمیه کرمانی‌ها مشغول به تحصیل شد. دروس ادبیات، فقه و اصول را در محضر اساتید برجسته حوزه علمیه قم گذراند. ایشان از سال‌های ابتدایی



**شهید محمد کیهانی**

- تاریخ تولد: ۲۰ آذر ۱۳۵۷
- تاریخ شهادت: ۹ آبان ۱۳۹۵
- محل شهادت: سوریه، منطقه سه هزار واقع در جنوب غرب
- مزار شهید: اندیمشک

**زندگی‌نامه**

شهید محمد کیهانی در بیستم آذر ۱۳۵۷، همزمان با شب عاشورا، در خانواده مذهبی در اندیمشک متولد شد. وی تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در آن شهرستان سپری کرد و در سال ۱۳۷۴ به کسوت طلبگی درآمد. تحصیلات مقدماتی حوزوی را در حوزه علمیه اصفهان طی کرد.

شهید در مدت اقامتش در اصفهان در سال ۱۳۷۶ ازدواج کرد و در سال ۱۳۷۹ جهت ادامه تحصیل راهی حوزه علمیه قم شد و تا سال ۱۳۸۵ در آن شهر زندگی کرد؛ وی سپس به شهرستان اندیمشک بازگشت و هم‌چنان تحصیلات حوزوی را ادامه داد. شهید محمد کیهانی سال ۱۳۸۸ به همراه همسر و سه فرزندش به نام‌های کمیل، میثم و مقداد به اهواز مهاجرت نمود و پس از مدتی در معاونت فرهنگی شهرداری اهواز مشغول به کار شد. در سال ۱۳۹۴ جهت شرکت در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل به سوریه شتافت و پس از شش دوره حضور در سوریه، در نهم آبان ۱۳۹۵ در منطقه سه‌هزار واقع در جنوب غرب حلب به‌دست تک‌تیرانداز ملعون داعش از ناحیه سر مورد اصابت گلوله قرار گرفت و به فیض عظیم شهادت شد.

**وسیت‌نامه شهید**

ضمن شهادت به حقانیت خداوند متعال و پیامبر بزرگ اسلام حضرت محمد (ص) و کتاب آسمانی قرآن مجید و اهل بیتش (ع)، «فالذین هاجروا و اخرجوا من ديارهم و اودوا فی سبیلی و قاتلوا و قتلوا لا کفرن عنهم سنیاتهم و لادخلنهم جنات تجری من تحتها الانهار ثوابا من عند الله و الله عنده حسن الثواب»

آنان که از وطن خود هجرت کردند و از دیار خود بیرون رانده شدند و در راه خدا نینج کشیدند، جهاد کردند و کشته شدند، همانا بدی‌های آنان را می‌پوشانیم و آنان را به بهشت‌هایی که از زیر درختان آن نهرهای آب، جاری و روان است، داخل می‌کنیم و این پاداشی است از جانب خدا و پاداشی که از جانب خدا باشد نیکوست خداوند همه بدی‌های کشته شدگان در راه خدا را نادیده می‌گیرد و به‌علاوه از جانب خود به آنان نیکوترین پاداش را عطا می‌کند.

رو پس از پایان سطوح، برای ادامه تحصیلات خویش، به شهر مقدس قم هجرت نمود و از محضر علمای حوزه علمیه قم کسب فیض کرد. از شاخصه‌های شخصیتی جابر، تلاش و کوشش مثال‌زدنی او در مسیر اعتلای عقاید شیعی و باورهای دینی بود؛ همین ویژگی موجب شده بود تا علاوه بر مناظره با اهل سنت، اهل کتاب، یهانیون و یمنی‌ها، قلم در دست گیرد و برای اثبات حقانیت مکتب خویش، مقالات و کتاب‌هایی منتشر سازد. او در همین راستا در فضای مجازی نیز برای رفع شبهات پایه‌های دینی و اقدامات علمی مفیدی انجام داد.

جابر، در کنار تحصیلات حوزوی خود، تحصیل در دانشگاه را نیز پی گرفت و به همین منظور، راهی کشور پاکستان شد و در دانشگاه بیجاناب لاهور مشغول تحصیل گشت. وی پس از چندی، موفق به کسب مدرک دکتری شد و در ادامه، با دانشی افزون‌تر

- تاریخ تولد: ۱۳۶۹/۳/۱۸
- تاریخ شهادت: ۱۳۹۴/۱۰/۲۳
- تحصیلات: سطح ۳
- محل شهادت: سوریه، خان طومان
- مزار شهید: خوزستان، اهواز، بهشت آباد

**زندگی‌نامه**

جابر زهیری که بعدها حسین پور نیز خوانده شد، در تاریخ ۱۴ ذی‌القعدة ۱۴۱۱هـ. قدر کشور کویت متولد شد. تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان خود را در همان کشور گذراند. او در کنار دروس معمول و مرسوم کشور، برای تقویت پایه‌های دینی و اعتقادی خود، دروس حوزوی و اسلامی را نیز پی گرفت و زیر نظر بزرگانی چون حضرت حاج شیخ عبدالله دشنی به فراگیری علوم دینی پرداخت. جابر پس از چندی، عازم ایران شد و در استان خوزستان و شهر نیاکان خود، اهواز سکونت یافت. حوزه علمیه اهواز، پاسخ روح جست‌وجوگر جابر نبود و از همین



**شهید حجت الاسلام جابر زهیری (حسین پور)**



**طلبه شهید سید عدیل حسین (سید محمد خوشبو)**

- تاریخ تولد: ۱۳۷۱/۹/۲۴
- تاریخ شهادت: ۱۳۹۴/۸/۲۱
- تحصیلات: مقدمات
- محل شهادت: سوریه، حلب
- مزار شهید: قم، بهشت معصومه (ع)

**زندگی‌نامه**

سید عدیل در یک خانواده شیعی و متدین در پاکستان به دنیا آمد. او کوچک‌ترین و البته دوست داشتنی‌ترین عضو خانواده نه‌فراه‌اش بود. خانواده سید که اغلب از مبلغین فعال در پاکستان بودند، کوچک‌ترین عضو خانواده‌شان را به شکل دیگری دوست داشتند. سید که از سال‌ها امام حسین (ع) و از سادات حسینی بود، پس از گذراندن تحصیلات معمول در پاکستان و گذراندن دروسی از حوزه در همان‌جا، همراه با برادر بزرگش مشغول تحصیل علوم دینی در قم شد و پس از چندی به یکی از فعالین فرهنگی و پرده‌دغه پاکستانی تبدیل شد.

شهید عدیل در کنار آموزش مباحث دینی و معارف اسلامی، به یادگیری آموزش‌های نظامی نیز علاقه‌مند بود و مدتی وقت خود را به فراگیری تک‌تیراندازی صرف نمود. سید نسبت به خانواده خود به‌خصوص مادرش احترام زیادی قائل بود و تلاش می‌کرد تا مطابق خواست او عمل کند؛ وی، پیش از این‌که عازم سوریه شود از مادرش پرسیده بود: «اگر من به سوریه بروم نظر شما چیست؟» و مادرش که از خوبان و دوست‌داران اهل بیت (ع) است، در جوابش گفته بود: «اصلاً من شما را برای همین به دنیا آوردم که در راه دفاع از اهل بیت (ع) جانفشانی کنید.» به‌گونه اطرافیان و دوستان سید، تکیه کلام او «یا الله» بود و وقتی در مبارزه با تکفیری‌ها شرکت نمود و گلوله‌ای به بدنش اصابت کرد، «یا الله» گویان دعوت حق را لبیک گفت و به فیض شهادت نائل آمد.



**شهید محمد مهدی هاشمی نژاد**

- تاریخ تولد: ۱۳۶۰/۶/۱۰
- تاریخ شهادت: ۱۳۹۴/۱۲/۲۲
- تحصیلات: سطح ۴
- محل شهادت: سوریه، تدمر
- مزار شهید: قم، بهشت معصومه (ع)

**زندگی‌نامه**

سید محمد مهدی در صبح‌گاه دهمین روز شهریور (۱۳۶۰) در مشهد مقدس و در خانواده‌ای روحانی دیده به جهان گشود. در سنین کودکی به همراه پدر و مادرش به قم مهاجرت نمود و مجاور کریمه اهل بیت (ع) شد. سید در سال (۱۳۸۰) در آزمون ورودی حوزه علمیه و جامعه‌المصطفی‌العالمیه ثبت‌نام کرد و وارد حوزه علمیه قم شد. وی اندکی بعد، موفق به اخذ مدرک کارشناسی رشته فقه و معارف اسلامی از مدرسه مبارکه حجتیه شد و پس از چندی از پایان‌نامه کارشناسی ارشد خویش تحت عنوان «حکم افتداه به غیر امامی در نماز جماعت» با کسب نمره عالی (۱۹) دفاع کرد. سید محمد مهدی در سال (۱۳۹۴) نیز در آزمون ورودی سطح چهار فقه و اصول شرکت کرد و در این آزمون نیز حائز نمره قبولی گشت. شهید هاشمی‌نژاد، هم‌زمان با تحصیل و تحقیق، به‌عنوان یک مبلغ فعال به تبلیغ معارف اسلام ناب محمدی (ص) می‌پرداخت و در ایام تبلیغی، به مناطق محروم سفر می‌کرد. اشتیاق وی به خدمت به مکتب اهل بیت (ع) یک ویژگی و حالت ویژه محسوب می‌شد که برآمده از روح پاک و ضمیر لال او بود. همین اشتیاق و عشق موجب شد تا سید پس از حمله تکفیری‌ها به سوریه، عازم آن دیار شود و تا پای جان بر سر عهد خود با امامان خویش پای فشارد. او بعد از یک‌سال و چند ماه نبرد و دفاع از حرم اسلام، در آخرین روزهای اسفندماه سال (۱۳۹۴) به آرزوی دیرینه خود رسید و در درجه رفیع شهادت نائل آمد.



**شهید محمد رضایی**

- تاریخ تولد: ۱۳۶۴/۱/۴
- تاریخ شهادت: ۱۳۹۳/۶/۱۰
- تحصیلات: سطح ۳
- محل شهادت: سوریه، دمشق، منطقه جرمانا شهرک دخانیه
- مزار شهید: مشهد مقدس، بهشت رضا (ع)

**زندگی‌نامه**

حجت‌الاسلام محمد رضایی در سال (۱۳۶۴) در شهر مقدس قم و در یک خانواده مذهبی به دنیا آمد. ایشان پس از اخذ دیپلم وارد حوزه علمیه شد. در سال ۱۳۸۹ به تحصیل دروس تخصصی الهیات و کلام اسلامی پرداخت و در رشته فلسفه و کلام تا مقطع کارشناسی ارشد پیش رفت. در سال ۱۳۹۰ به‌عنوان مدیر مدرسه علمیه حضرت حجت‌بن‌الحسن العسکری (ع) انتخاب گردید و هم‌زمان با مدیریت مدرسه، تدریس و تحصیل را نیز ادامه داد.

حسن خلق و تقوا، تعهد و تدین، صداقت و جوانمردی در رفتار و کردار، تنها بخشی از صفات نیک ایشان بود؛ او با همین اخلاق نیک خود، پذیرای دوستان و شاگردان بسیاری شده بود. وی در کنار تحصیل و تدریس، هیچ‌گاه از وظایف و مسئولیت‌های اجتماعی خود غافل نشد و همواره از رزق و گرفتاری ملت مظلوم افغانستان و نیز مسلمانان سایر کشورها سخن می‌گفت و رنج می‌برد. شهید رضایی با همین روحیه مؤمنانه دیگر دوستی بود که هم‌زمان با تحولات سوریه و هجوم تکفیری‌ها به حرم اهل بیت (ع)، عازم سوریه شد و بالاخره در شهریور سال (۱۳۹۳) در منطقه جرمانا شهرک دخانیه، به فیض شهادت نائل آمد و نام خویش را تا ابد پاینده و جاوید ساخت.



یک خصوصیت (مدافعیین حرم) بصیرت است. کسانی که این بصیرت را ندارند با خودشان می‌گویند: این‌جا کجا، سوریه و حلب کجا؟ امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «قَوْلَهُ مَا عَزَى قَوْمٌ قَطَّ فِی عَقْرِ دَارِهِمْ إِلَّا ذُلًّا». به خدا سوگند، هر ملتی که درون خانه خود مورد هجوم قرار گیرد، ذلیل خواهد شد. بنابراین نباید منتظر ماند که دشمن بیاید داخل خانه آدم، بعد آدم به فکر دفاع بیفتد.

شهادت دفاع از حرم اگر نبودند، ما باید حالا با عناصر فتنه‌گر خبیث دشمن اهل بیت و دشمن مردم شیعه، در شهرهای ایران می‌جنگیدیم.



شهید حجت الاسلام صالح حسن زاده

- تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۱/۵
- تاریخ شهادت: ۱۳۹۴/۸/۲
- تحصیلات: درس خارج
- محل شهادت: شمال غرب سامرا
- مزار شهید: جاویدالآثر

**زندگی‌نامه**

شهید حاج صالح حسن زاده در تاریخ ۱۳۴۶/۱/۵ در خرمشهر به دنیا آمد. وی پس از گذراندن مقطع راهنمایی، وارد حوزه علمیه قم شد. علاقه به علوم دینی و جهاد علمی ایشان همواره زبانزد اطرافیان بود. حاج صالح، پس از ورود به حوزه علمیه و در بحبوحه دفاع مقدس، به دلیل شوق وافر به جهاد و شهادت، در قالب تیپ تبلیغی رزمی امام صادق علیه السلام در سال (۱۳۶۵) به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل شتافت. با پایان یافتن جنگ تحمیلی، شعله عشق به جهاد در او به سردی نگرایید و از همین رو کار خود را پس از جنگ نیز با حضور در کردستان در سال (۱۳۶۸) ادامه داد. شهید حسن زاده، بعد از اقبای وظیفه خود در کردستان، آهنگ حوزه علمیه کرد و به ادامه تحصیل در سطوح عالی حوزه علمیه پرداخت. وی، در سال (۱۳۷۸) موفق به اخذ مجوز تأسیس دفترخانه ازدواج و طلاق شد و به مدت هفت سال، در این قالب به مردم خدمت نمود. اما پس از این مدت، شوق تحقیق و علم‌اندوزی، او را در دیگر بار به کلاس‌های درس بزرگان کشانید و پس از چهار سال زانوزند نزد اساتید حوزه‌های داخل کشور، برای استفاده از فضای معنوی و علمی نجف اشرف، راهی عراق شد. او در مدت اقامت خود در عراق، از فضای روحانی بقاع متبرکه آن دیار بهره‌ها برد و استفاده‌ها کرد؛ به گواهی دوستان نزدیک این شهید بزرگوار، وی زیارت مشاهد شریفه را حتی در ناامنی ترک نکرد و در طول مدتی که در عراق بود به هیچ وجه زیارت بارگاه ملکوتی ابا عبدالله الحسین را در شب‌های جمعه از دست نداد. این شهید بزرگوار، در ایام اربعین نیز از بصره به سمت کربلا پیاده‌روی می‌کرد و این چنین عشق و ارادت خود را به سالار شهیدان هویدا می‌ساخت. پس از ورود مردوران داعشی به عراق و صدور فتوای جهاد از سوی مرجعیت معظم، شوق به جهاد و شهادت بار دیگر در او زنده شد و از همین رو راهی مبارزه شد. مدتی با رشادت و شجاعت به مبارزه با پلیدان تکفیری مشغول بود تا این که بالاخره در جریان دفاع از حرمین عسکرین در شمال غرب سامرا به آرزوی دیرینه‌اش که شهادت در راه اسلام بود، نائل آمد.

**وصیت‌نامه شهید**

این جانب صالح حسن زاده آرزوی توفیق شهادت در راه اهل بیت علیهم السلام را اگر قابل باشم دارم که ان شاء الله در رجعت با اهل بیت علیهم السلام رجعت کنم... دوست دارم که قبرم در حور حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در نجف اشرف باشد.

روحش شاد و راهش پربرو باد



شهید حجت الاسلام محمد هادی ذوالفقاری

- تاریخ تولد: ۶۷/۱۱/۱۳
- تاریخ شهادت: ۱۳۹۳/۱۱/۲۶
- محل شهادت: مکیشیه سامراه
- مزار شهید: نجف، وادی السلام

**زندگی‌نامه**

سال ۱۳۶۷ بود که محمد هادی مصادف با شهادت امام هادی علیه السلام به دنیا آمد بر همین اساس نام او را محمد هادی می‌گذارند. عجیب است که او عاشق و دلداره امام هادی علیه السلام شد و در این راه و در شهر امام هادی علیه السلام یعنی سامراه به شهادت رسید. خانواده هادی می‌گویند: هادی از اول یک جور دیگری بود. حال و هوا و خواسته‌هایش مثل جوانان هم سن و سالش نبود. دغدغه‌مندتر و جهادی‌تر از جوانان دیگر بود. از خصوصیات بارز هادی کمک پنهانی به نیازمندان چه در ایران و چه در عراق بوده است که این از اظهارات بعضی نیازمندان بعد از شهادتش روشن شد. هادی بعد از پایان خدمت، راهی حوزه علمیه شد. زیرا راهی جز طلبگی در نجف پاسخگویی غوغای درون هادی نبود و در نهایت شهادت چه زیبا او را برگزید.

**وصیت‌نامه شهید**

وصیتم به مردم ایران و در بعضی از قسمت‌ها برای مردم عراق این است که من الان حدود سه سال است که خارج از کشور زندگی می‌کنم مشکلات خارج کشور بیشتر از داخل کشور است قدر کشورمان را بدانند و بیست سر ولی فقیه باشند و با بصیرت باشند چون همین ولی فقیه است که باعث شده ایران از مشکلات بیرون بیاید و از خواهران می‌خواهم که حجابشان را مثل حجاب حضرت زهرا رعایت بکنند نه مثل حجاب‌های روز چون این حجاب‌ها بوی حضرت زهرا علیها السلام را نمی‌دهد. از برادرانم می‌خواهم که غیر حرف آقا حرف کس دیگری را گوش ندهند جهاد در حال تحول است دنیا دیگر طبیعی نیست الان دو جهاد در پیش داریم اول جهاد نفس که واجب‌تر است زیرا همه چیز لحظه آخر معلوم می‌شود که اهل جهنم هستند یا بهشت، حتی در جهاد با دشمن‌ها احتمال می‌رود که طرف کشته شود ولی شهید به حساب نیاید چون برای هوا نفس رفته جبهه و اگر برای هوای نفس رفته باشید یعنی برای شیطان رفتید و در این حال چه فرقی است بین ما و دشمن؟ امام زمان را تنها نگذارید. آن‌ها اهل شیطان هستند و ما هم شیطان. دین خودتان را حفظ کنید چون اگر امام زمان بیاید احتمال دارد رویه‌روی امام باشیم و اما ما مخالفت کنیم. امام زمان را تنها نگذارید من که عمرم رفت و وقت از دست دادم تا به خودم آمدم دیدم که خیلی گناه کردم و پل‌های پشت سرم را شکانده‌ام و راه برگشت ندارم. بچه‌های ایران و عراق من دیر فهمیدم و خیلی گناه و کارهای بیپوده انجام داده‌ام و یکی از دلایلی که آمدم نجف به خاطر همین بود که پیشرفت کنم نجف شهری است که مثل تصفیه‌کن است که گناه‌ها را به سرعت از آدم می‌گیرد و جای گناهان نواب می‌دهد این مولای ما خیلی مهربان است.

روحش شاد و راهش پربرو باد



شهید حجت الاسلام سعید بیاضی زاده

- تاریخ تولد: ۱۳۷۳/۴/۵
- تاریخ شهادت: ۱۳۹۵/۷/۲۲
- تحصیلات: سطح ۲
- محل شهادت: سوریه، حلب
- مزار شهید: کرمان، شهرستان انار، گلزار شهدای روستای ساقی

**زندگی‌نامه**

شهید سعید بیاضی زاده در سال ۱۳۷۳ در خانواده‌ای مذهبی و اهل جهاد در منطقه بیاض استان کرمان متولد شد. پسر دوست‌داشتنی و مهربان خانواده، به دلیل استعداد و هوش سرشار، راهی مدرسه نمونه شهرستان شد. سال‌های پایانی دوره راهنمایی بود که عزم شاگردی مکتب امام صادق علیه السلام کرد تا عطش روحی خود را در سفره علوم اهل بیت علیهم السلام سیراب کند. مدرسه فاطمی قم و جوار حضرت معصومه علیها السلام محلی شد برای خودسازی نوجوانی که خیلی زود رفتار و منش‌اش، باعث شد تا محبوب اطرافیان شود. به معنای واقعی کلمه خوش اخلاق و متواضع بود؛ خصوصیتی که تا زمان شهادت در بین مکارم اخلاقی شهید هم چنان می‌درخشید. دروس سطح را در مؤسسه مدینه الولایه فراگرفت و آماده حضور در درس خارج شد. طلبه خوش استعداد، خوش اخلاق و خوش بیان حوزه علمیه، به طول چند سالی که لباس روحانیت پوشیده بود، هرگز از فعالیت‌های فرهنگی چشم نپوشید. در سفرهای راهیان نور «خادم الشهداء» بود و روایتگری می‌کرد و در سفرهای تابستانه طلاب به مشهد، «خادم الطلاب» بود. علاوه بر خدمت در موبک‌های اربعین با گروه‌های جهادی دانشگاه کرمان نیز همراه بود.

در ماه رمضان که توفیق زیارت و مجاورت یک ماهه در جوار بارگاه امیرالمؤمنین علی علیه السلام برایش فراهم شده بود، با تلاش فراوان خود را به جبهه‌های نبرد با تکفیری‌ها رساند. دوست سعید راوی تلاش‌های وی برای حضور در جمع رزمندگان حشدالشعبی است:

در آن ماه رمضان که سعید به اتفاق عده‌ای از دوستانش به نجف مشرف شده بودند، سعید با اصرار و پیگیری زیاد از من خواست که رابطی را برای حضور در حشدالشعبی فراهم کنم. بالاخره با پیگیری‌های مصرانه از طرف سعید، شیخ میثم واسطه شد تا او در نبردهای منطقه بیجی حضور یابد.

روحش شاد و راهش پربرو باد



شهید حجت الاسلام محمد امین کریمیان

- تاریخ تولد: ۱۳۷۳/۶/۳۱
- تاریخ شهادت: ۱۳۹۵/۳/۲۷
- تحصیلات: سطح ۳
- محل شهادت: سوریه، مراته، محور خلصه
- مزار شهید: جاویدالآثر

**زندگی‌نامه**

شهید حجت الاسلام والمسلمین کریمیان در سال ۱۳۷۳، در خانواده‌ای مذهبی دیده به جهان گشود. مؤلفه اصلی شخصیت او را بایستی عشق به ولایت دانست؛ به گونه‌ای که از او منقول است: «خواهش آخر من این است که سلام مرا به امام خامنه‌ای برسانید و بگویید اگر دو باره زنده شوم از تکه‌تکه شدن در راه شما ابایی ندارم.» مادر آن بزرگوار چنین می‌گوید:

«وقتی محمد امین پنج ساله بود، کلاس قرآن می‌رفت و به حفظ قرآن می‌پرداخت؛ از دوم ابتدایی به اعتکاف می‌رفت و در سوم ابتدایی موفق به حفظ سه جزء قرآن کریم و تجوید آن شد. فرزندم بیشتر، در حال خواندن نماز و قرآن بود و در نماز جمعه نیز شرکت می‌کرد و مکبر نماز جمعه بود. وقتی که محمد امین، سوم راهنمایی رفت، یک‌بار نزد آمد و گفت مادر می‌خواهم در حوزه ثبت نام کنم. من به او گفتم: من راضی نیستم؛ دوست دارم تو درس‌های مدرسه‌ات را بخوانی و بعد از دیپلم وارد حوزه شوی. اما محمد امین هم چنان اصرار می‌کرد. وقتی دیدم دست از اصرار خود نمی‌کشد به او گفتم: تنها در صورتی به توجاهه می‌دهم که در حوزه علمیه هم پذیرفته شوی، او نیز با معدل بسیار بالا در قم پذیرفته شد و وارد حوزه قم شد.

پسرم از کودکی فردی مخلص، با ایمان بود و در تمام عمر، مطیع امر ولی فقیه بود و هر چه حضرت آقا می‌فرمودند با دل و جان اطاعت می‌کرد؛ محمد امین دانشجوی ترم ششم فلسفه و مسلط به دوزبان انگلیسی و عربی بود و به مدت دو سال نیز در کلاس نقد و بررسی فیلم شرکت کرده بود. محمد امین همیشه آرزو داشت شهید شود و همیشه به من می‌گفت مادر دعا کن شهید شوم؛ یکی از کارهای همیشگی او خواندن وصیت‌نامه و کتاب شهدا بود، هر وقت به او نگاه می‌کردم دل می‌لرزید، چون احساس می‌کردم او دیر یا زود شهید می‌شود.»

محمد امین عقابت به آرزوی همیشگی خویش رسید و در راه دفاع از حرم اهل بیت علیهم السلام، جام شهادت را نوشاند.

**بخشی از وصیت‌نامه شهید**

من از این دنیا با همه زیبایی‌هایش می‌روم و همه آرزوهایم را رها می‌کنم اما به ولایت و حقانیت علی بن ابی‌طالب علیه السلام و خدانندی خدا یقانه‌تر از من می‌گیرم اگر خامنه‌ای را تنها بگذارید... اگر از سرهای ما کوه درست کنید هرگز نخواهیم گذاشت که روزی نسل‌های بعدی ما در کتاب تاریخشان بخوانند خامنه‌ای مثل جدش امام حسین علیه السلام تنها مانده، خواهش آخر من این است که سلام مرا به امام خامنه‌ای برسانید و بگویید اگر دوباره زنده شوم از تکه‌تکه شدن در راه تو ابایی ندارم. بروی قبر من نه اسم نه نامی نه هیچ چیز دیگری را ننویسید.

روحش شاد و راهش پربرو باد



شهید حجت الاسلام سید نبی حسینی

- تاریخ تولد: ۱۳۵۰/۷/۱
- تاریخ شهادت: ۱۳۹۶/۸/۲۱
- تحصیلات: سطح ۲ جامعه المصطفی
- محل شهادت: سوریه، دیرالزور
- مزار شهید: گلزار شهدای اصفهان

**زندگی‌نامه**

شهید سید نبی حسینی در نخستین روز پاییز ۱۳۵۰، در ولایت جوزجان افغانستان دیده به جهان گشود. پس از هشت سال، تشدید حمله شوروی به افغانستان بهانه‌ای می‌شود برای مهاجرت خانواده سید نبی به ایران و سکونت در جوار بارگاه امام هشتم علیه السلام پس از آن و بعد از سکونت چند ماهه در قم، خانواده ساکن گر و برخوار اصفهان می‌شوند و در همان جا سکونت می‌گزینند. با توجه به وضعیت بد مالی خانواده، سید نبی به ناچار از همان کودکی مشغول به کار می‌شود و شب‌ها درس می‌خواند.

پس از مهاجرت خانواده به کاشان، سید برای تأمین معیشت خانواده به سختی کار می‌کند. خواهر شهید راوی مجاهدت آن روزهای شهید است: «شغل بیشتر مردم کاشان قالی بافی بود. سید نبی صبح‌ها ساعت شش بلند می‌شد و تا دوازده شب، یک‌سره قالی می‌بافت.»

سید پس از ازدواج با دختر عموی خود و اقامت یک ساله در خانه پدرخانم‌اش، راهی اصفهان می‌شود و در خانه مادر ساکن می‌شود. در همین ایام اولین فرزندش متولد می‌شود. پس از تولد فرزند، سید تصمیم می‌گیرد در حوزه علمیه مشغول به تحصیل شود. همسر شهید می‌گوید: دخترم که شش ماهه شد، آقا سید درس طلبگی را شروع کرد. هم کار می‌کرد و هم درس می‌خواند تا بتواند مخارج زندگی را فراهم کند.

به پیشرفت فرزندان علاقه‌مند بود و همواره ایشان را به خوب درس خواندن تشویق می‌کرد. دختر شهید درباره علاقه پدر به مجالس اهل بیت علیهم السلام می‌گوید: «پدر گاهی ما را صدا می‌کرد و می‌گفت: بیایید برایتان سخنرانی کنم. لباس روحانیت می‌پوشید و در جمع کوچک خانواده سخنرانی می‌کرد. بعد از سخنرانی روضه می‌خواند. بیشتر وقت‌ها روضه حضرت علی اصغر علیه السلام و حضرت زینب علیها السلام را می‌خواند.»

روحش شاد و راهش پربرو باد



طلبه شهید حجت اسدی

- تاریخ تولد: ۱۳۶۰/۶/۳۱
- تاریخ شهادت: ۱۳۹۴/۱۲/۲
- تحصیلات: سطح
- محل شهادت: سوریه، زینبیه دمشق
- مزار شهید: قزوین، گلزار شهدا

**زندگی‌نامه**

حجت اسدی، متولد دهم آبان‌ماه سال ۱۳۶۰ بود که در شناسنامه روز تولد او سی و یکم شهریور قید شده است. او پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان، وارد دانشگاه شد و در رشته نقشه‌کشی صنعتی مشغول به تحصیل شد. عشق و علاقه شدید به معارف دینی وی را به سمت و سوی حوزه علمیه کشانید و افتخار شاگردی مکتب امام صادق علیه السلام را نصیبش نمود. پس از چندین، در خردادماه سال ۱۳۸۱ ازدواج کرد و کانونی پر از مهر و محبت، تشکیل داد. حاصل این ازدواج سه فرزند است که اکنون یادگار پدر

که شهید اسدی بار دیگر لباس رزم بپوشد و اسلحه در دست گیرد تا با جان و تن خویش، از حرم و حرم اهل بیت علیهم السلام دفاع کند. او که در این راه از هیچ کوششی دریغ نمی‌ورزید، در دوم اسفند ۱۳۹۴ در جوار حرم حضرت زینب علیها السلام، نام خویش را تا ابد به‌عنوان شهید مدافع حرم ماندگار ساخت و بر تارک عالم، منقوش نمود. یکی از دوستان همراه او در روز شهادتش می‌گوید شهید حجت در اتاقی که مستقر بودیم و به حرم حضرت زینب علیها السلام هم خیلی نزدیک بود، رو به حرم ایستاد و در نجوایی عاشقانه این جملات را زمزمه کرد: «من ۱۵ سال برای شما نیکو کردم یکی را قبول کنید تا خداوند شهادت را نصیب من کند.» و پس از این دعا بود که در عملیات انتحاری که در نزدیکی حرم صورت گرفت، مجروح گشت و در سن ۳۴ سالگی به فیض شهادت نائل آمد.

روحش شاد و راهش پربرو باد

تمامی این خوبی‌ها به شمار می‌رفت؛ حجت ۱۷ مرتبه برای زیارت سیدالشهداء علیه السلام عازم سفر عتبات شد و بدین وسیله، دلدادگی خود را به اهل بیت علیهم السلام مخصوصاً امام حسین علیه السلام نشان داد. روضه‌خوانی و مداحی برای اهل بیت علیهم السلام و تلاش در جهت نشر معارف دینی از دیگر فعالیت‌های عاشقانه شهید حجت در راستای ارادت به پیشوایان دین قلمداد می‌گردد.

احساس مسئولیت در قبال دیگران و نیز توجه به اوضاع و احوال شیعیان جهان از دیگر خصوصیات ویژه حجت بود. همسر وی می‌گوید: «هر بار با شنیدن اخبار جنگ سوریه خیلی ناراحت می‌شد و می‌گفت چرا من باید این‌جا نزد زن و فرزندم باشم و شیعیان جای دیگر زیر بار ظلم قرار بگیرند.» همین احساس مسئولیت بود که در زمان حضور اشغالگران در عراق، او را به دفاع از حرم امام حسین علیه السلام و امام علی علیه السلام کشاند. در جریان حمله تکفیری‌ها به سوریه نیز همین غیرت دینی موجب شد

روحش شاد و راهش پربرو باد



**امام خامنه ای**

■ همین شهدای جوانی که برای دفاع از حرم شهید شده اند، حرف این ها، اقدامشان، حرکتشان، خاطره شان... همه این ها بیدارکننده است، همه این ها هوشیارکننده است، ما گوشمان سنگین است، این پیام ها را درست نمی شنویم؛ اگر به ما بشنوانند این پیام ها را دیگر این گرایش به شرق و به غرب و به دشمن و به کفر و الحاد و مانند این ها، از بین ما رخت بر خواهد بست.

■ جوانی که نامه می نویسد به بنده و التماس، گریه که اجازه بدهید ما برویم در دفاع از حرم اهل بیت (علیهم السلام) بچنگیم؛ از زندگی راحت، از زن و بچه بگذریم. این وضع جوان امروز است. دشمنان می خواهند ایمان این [جوان] را از بین ببرند.



**شهید حجت الاسلام علی تمام زاده**

تاریخ تولد: ۱۳۵۵/۱/۲۴  
 تاریخ شهادت: آبان ۱۳۹۴  
 تحصیلات: درس خارج  
 محل شهادت: سوریه، جنوب حلب  
 مزار شهید: کرج، گلزار شهدا

**زندگی نامه**  
 شهید حجت الاسلام علی تمام زاده در تهران متولد شد؛ دوران کودکی و نوجوانی خود را در مدارس شهر تهران سپری نمود و پس از پایان تحصیلات دبیرستان، در هجده سالگی، وارد حوزه علمیه ایروانی تهران شد.

شهید تمام زاده در دو جبهه فرهنگی و نظامی فعالیت چشمگیر داشت و با نام جهادی «ابوهادی» از روحانیون حاضر در تیب فاطمیون بود. این شهید بزرگوار، در حدود دو سال حضور خود در سوریه، ضمن حضور در جبهه نظامی، به کار فرهنگی و گردآوری و تدوین خاطرات شهدا و رزمندگان فاطمیون مشغول بود. بخشی از دسترنج های وی در این عرصه، در ویژه نامه هایی که خود او به چاپ رسانده و بخشی دیگر در وبلاگ شخصی اش، انتشار یافته است.

حجت الاسلام علی تمام زاده پس از سال ها اهتمام به جهاد فرهنگی و نظامی، در محرم الحرام سال (۱۳۹۴) به جمع شهدای مدافع حرم پیوست و نام و یاد خود را برای همیشه، ماندگار و جاودان ساخت.

**وصیت نامه شهید**  
 با نام و یاد خداوند مهربان و با درورد به ارواح

آذوقه دریافت می کنند. امشب دوم محرم است؛ ما هم اقتدا کردیم به امام حق طلبان و کربلایی شدیم.

حتی از این که کی یک شکم سیر نان خالی بخورند عاجزند و به قدری در مدینه هستند که آرد را با پوست درختان دیگر خمیر می کنند تا حجم زیادی پیدا کند و بتوانند چند روزی بیشتر محاصره را تحمل کنند. ان شاء الله با غیرت رزمندگان حزب الله، برادران ایرانی، فاطمیون، حیدریون، زینبیون و... این محاصره خواهد شکست و پیروزی از آن مؤمنین و متقین است.

چند کلامی با پدر و مادر عزیزم. پدر خوب و مهربان و مادر عزیزتر از جانم از شما به خاطر این که فرزندان را با راه و مکتب اهل بیت (علیهم السلام) آشنا کردید تشکر می کنم و ممنونم. ممنونم از این که پدر مهربان من با نان حلال مرا بزرگ کرد و مادر خوبم با مجلس روضه اهل بیت (علیهم السلام) و محبت آن ها تربیت نمود. هیچ گاه عرق های پدرم را زیر تیغ تابستان و در اوج گرما که با زبان روزه کارگری می کرد تا نان حلال و طیب و طهارتی بر سر سفره خانواده خود بگذارد را فراموش نمی کنم، کودک بودم اما آن زحمات هیچ گاه فراموش شدنی نیست و هیچ گاه محبت مادرانه را که با اشک روضه اهل بیت عین شده بود را از یاد نخواهم برد. همه چیز ما از اهل بیت است چرا که این ها وسیله هستند، اسباب و وسیله نجات همه انسان ها به طوری، که شکتی نجات اهل بیت هستند و بس.

روحش شاد و راهش پربرورد



**طلبه شهید احمد مکیان**

تاریخ تولد: ۱۳۷۳/۹/۱۵  
 تاریخ شهادت: ۱۳۹۵/۳/۱۷  
 تحصیلات: مقدمات  
 محل شهادت: سوریه، حمه، جنوب حلب  
 مزار شهید: قم، بهشت معصومه (علیها السلام)

**زندگی نامه**  
 شهید احمد مکیان در خانواده ای مذهبی در استان خوزستان، متولد شد. پدر او از روحانیون راستین منطقه بود. احمد که بعدها راه پدر را ادامه داد، در طی سنین نوجوانی موفق به حفظ قرآن شد و فعالیت های فرهنگی و تبلیغی را سرلوحه کار خویش قرار داد. شهید مکیان که از طلاب و ورزشکاران جوان خوزستانی محسوب می شد، دلی تراس و شجاع داشت. او همیشه حسرت درک نکردن دفاع مقدس را می خورد. پس از حمله تکفیری های تروریست راهی سوریه شد و برای دفاع از اسلام و اهل بیت (علیهم السلام)، جانفشانی ها نمود. احمد عاقبت در ۲۱ سالگی و در راه سرسپردگی به زینب کبری (علیها السلام)، به درجه رفیع شهادت نائل آمد و نامش به عنوان یکی از شهدای روحانی مدافع حرم جاودانه گشت.

**دل نوشته ای به رسم وصیت نامه**  
 خدایا ما با تو پیمان بستیم بدم که تا پایان راه برویم و بر پیمان خویش استوار مانده ایم.

خدایا! های و هوی بهشت را می بینم، چه غوغایی! حسین (علیهم السلام) به پیشواز یارانش آمده است، چه صحنه ای! فرشتگان ندا می دهند که همزمان ابراهیم، همزمان موسی، هم دستان عیسی، هم کیشان محمد، هم سنگران علی،



**شهید حجت الاسلام فرهاد طالبی**

تاریخ تولد: ۱۳۷۲/۳/۱  
 تاریخ شهادت: ۱۳۹۷/۶/۱۸  
 تحصیلات: سطح یک حوزه  
 محل شهادت: سوریه، حلب، روستای شقیده  
 مزار شهید: لاهرد، روستای دهنو

**زندگی نامه**  
 شهید فرهاد طالبی در اولین روز خرداد ۱۳۷۲ در روستای دهنو فاضلی از توابع شهرستان لاهرد دیده به جهان گشود. در سال ۱۳۷۹ وارد دبستان روستا شد و از همان ابتدا هوش و ذکاوت بالایی او نود بیخش آینده ای روشن بود. دوران ابتدایی را با معدل بالا به پایان رساند و در همه این سال ها در مدرسه به عنوان دانش آموز نمونه شناخته شد. دوره راهنمایی را در مدرسه شهید عابدینی شهر اوز گذراند و مقطع دبیرستان را در رشته ریاضی با موفقیت به پایان رسانید.

در بین اهالی روستا، به شوخ طبعی و خوش اخلاقی شهره بود. در کارهای اهل ریا نبود و هیچ گاه زیر بار ظلم و زور نمی رفت. در تمام این سال ها اخلاق خوب فرهاد در میان اقوام و خویشاوندان زبانزد بود. ثمره سال ها تلاش این جوان خوش اخلاق روستایی، قبولی با رتبه ای عالی در کنکور بود. وی با این رتبه عالی به راحتی می توانست در رشته فیزیک هسته ای در دانشگاه تحصیل کند، اما تصمیمی سرنوشت ساز گرفت و با ورود قبولی در دانشگاه، تحصیل در مکتب اهل بیت (علیهم السلام) در حوزه علمیه سفیران هدایت را برگزید. پس از سه سال وارد حوزه علمیه قرام

۲۵ سالگی بر اثر اصابت ترکش مین در روستای شقیده در حومه جنوبی حلب به درجه رفیع شهادت رسید و در زادگاهش آرام گرفت.

**وصیت نامه شهید**  
 با عرض سلام و خسته نباشی خدمت شما برادران و خواهران عزیز امیدوارم همیشه زندگی شما پر از موفقیت و توفیق بار همیشگی آقا امام زمان (علیهم السلام) بوده اید، ادامه داشته باشد.

از بهترین توفیقاتی که خداوند به یک بنده می تواند بدهد، داشتن برادران و خواهران خوب هست که من همیشه از خدا شاکر هستم بابت وجود رفقای مثل شما در کنارم، که از نظر خودم هیچ کس به اندازه من خوشبخت نیست و نبوده، به برادران و خواهران مثل شما داشته باشد، به خاطر همین من همیشه از شما سیاستگزارم و از خدا و آقا امام زمان می خواهم به توفیقات شما چه در دنیا و چه در آخرت بیافزاید، از آن جا که همه شما می دانید که من اصلاً آدم درستکاری نبودم و نیستم، و چه بسا که خیلی وقت ها باعث ناراحتی شما شده باشم از شما صمیمانه تقاضای بخشش و عفو دارم، چرا که می دانم اگر شما برادران و خواهران عزیز نبودید معلوم نبود من الآن توی کجاها بوده و مشغول چه کارها بوده، پس لطفاً متوکلان کنید.

آن چه از سر، گذشت؛ شد سرگذشت حیف بی وقت گذشت، اما گذشت تا که خواستیم یک روز روزی فکر کنیم بر در خانه نوشتند، در گذشت...

روحش شاد و راهش پربرورد



**شهید حجت الاسلام میلاد بدری**

تاریخ تولد: ۱۳۷۴/۱/۶  
 تاریخ شهادت: ۱۳۹۴  
 تحصیلات: سفیران هدایت (پایه ۴)  
 محل شهادت: سوریه، جنوب حلب  
 مزار شهید: خوزستان، گلزار شهدای امیدیه

**زندگی نامه**  
 شهید حجت الاسلام میلاد بدری، در تاریخ ششم فروردین ماه سال ۱۳۷۴، در شهرستان امیدیه، چشم به جهان گشود. میلاد، تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در همان شهرستان گذراند و بعد از اتمام دوران دبیرستان، به جهت علاقه فراوانش به مباحث دینی و اعتقادی، وارد حوزه علمیه سفیران هدایت شهرستان گردید. حجت الاسلام بدری، به گواه بسیاری از دوستان و اساتید، در دوران طلبگی، جزه طلاب ممتاز و پیشرو و خوش اخلاق حوزه قلمداد می شد که دارای استعداد و توانایی خوبی در زمینه یادگیری مباحث اسلامی بود. او هم زمان با تحصیلات حوزوی، در تمام اردوها و دوره های آموزشی بسیج شرکت می کرد و عضو ممتاز و برجسته حلقه صالحین مساجد بود. وی هم چنین توانست نقش پررنگی در جذب نوجوانان به مسجد و فعالیت های مذهبی و فرهنگی داشته باشد.

با شروع جنگ در سوریه و تهدید مرقد مطهر حضرت زینب (علیها السلام)، از سوی تکفیری های بی دین، میلاد با درک عمیق نقش آمریکایی - صهیونیستی دشمن راهی جبهه های جهاد و مبارزه شد و با برافروخته شدن شعله عشق به جهاد و شهادت در قلب پاکش، روز به روز بر بی تایی او نسبت به ایفای وظیفه دینی خود افزوده می شد. شهید بدری، برای رسیدن به این هدف مقدس، بارها به مسئولین مربوطه، التماس کرد، تا این که در آبان ماه سال ۱۳۹۴، شرایط اعزامش مهیا شد و آگاهانه و عاشقانه بار سفر به سمت سرزمین شام بست و راهی دفاع از حریم ولایت و اهل بیت (علیهم السلام) گردید. بیش از بیست روز از شرکت این مجاهد غیور و سرباز مطیع ولایت در جنگ علیه تکفیری ها



**شهید حجت الاسلام مصطفی خلیلی بلوطگی**

تاریخ تولد: ۱۳۶۷/۶/۱۸  
 تاریخ شهادت: ۱۳۹۴/۱۱/۱۲  
 تحصیلات: پایه ۹  
 محل شهادت: سوریه، عملیات آزادسازی نبل و الزهرا  
 مزار شهید: خوزستان، گلزار شهدای اهواز

**زندگی نامه**  
 شهید حجت مصطفی خلیلی بلوطگی در هجدهم شهریورماه ۱۳۶۷ در اهواز متولد شد. از کودکی علاقه زیادی به مسجد و فعالیت های فرهنگی داشت. پس از سال ها که در عرصه های مختلف زندگی به موفقیت هایی رسید، عامل آن ها را، اهتمام به مسجد معرفی می کرد؛ او همیشه به نزدیکانش می گفت: «هرچه دارم از مسجد و فعالیت در مسجد دارم.» شهید خلیلی، با این که در کنکور سراسری در رشته حقوق قبول شده بود اما به دلیل علاقه زیادی که به درس حوزه داشت، از رفتن به دانشگاه منصرف شد و در سال ۱۳۸۶ وارد حوزه علمیه شد و سربازی امام زمان (علیهم السلام) خویش را آغاز نمود. وی، از همان سال های آغازین طلبگی، فعالیت های تبلیغی خود را شروع کرد و در فعالیت های فرهنگی مسجد، حضوری پررنگ داشت. بسیار مسئولیت پذیر بود و در موارد فراوانی تا دیورت مشغول حل مشکلات دیگران و از جمله طلبه ها بود؛ این از خودگذشتگی ها تا جایی ادامه یافت که موجب کلاه همسرش شد؛ اما او در پاسخ و برای دلداری و اتمام همسرش می گفت: «من در واقع برای امام زمانم وقت می گذارم و برای امام زمانم کاری می کنم.»

رفتار و کارهای مصطفی، الگو گرفته از اهل بیت (علیهم السلام) بود و ملاک و الگوی خود را در زندگی، اهل بیت (علیهم السلام) قرار داده بود. از خصوصیات اخلاقی بارز او می توان به اهتمام فراوانش نسبت به نماز اول اشاره نمود؛ انسانی با محبت و مهربان بود و با دیگران بسیار با احترام رفتار می کرد، او هیچ گاه صله رحم را فراموش نمی کرد و آن را سرلوحه زندگی خویش قرار داده بود.

شهید خلیلی از هوش و درایت بالایی برخوردار بود و مشاوره امین برای دوستان و اطرافیان خود محسوب می شد. آن بزرگوار، در سال ۱۳۹۲ ملبس به لباس مقدس روحانیت شد و از آن پس، به صورت جدی تر، سربازی امام زمانش را ادامه داد. عقیده اش بر این بود که لباس پیغمبر (صلی الله علیه و آله) را بر تن کرده و باید رفتارش نیز تا جایی که می تواند شبیه رفتار پیغمبر (صلی الله علیه و آله) باشد. رفتار شهید خلیلی، یک رفتار درس آموز بود و همیشه پیش از سخن گفتن، با عمل خود، بر دیگران تأثیر می گذاشت؛ او نه تنها با سخنان خویش، که بیشتر با رفتار و عمل خود امر به معروف و نهی از منکر می کرد، او هیچ وقت به طور مستقیم به دیگران تذکر نمی داد بلکه معمولاً با اشاره و کنایه و وظیفه خویش را انجام می داد. مصطفی، بسیار به پدر و مادر خود احترام می گذاشت؛ هم چنین پدر و مادر همسر خود را نیز هم چون پدر و مادر خود، احترام می کرد و هرگاه کاری داشتند برای آن ها انجام می داد. او اهل نماز شب و دعا و نیایش شبانه بود؛ همسرش می گوید: «در موارد فراوانی با صدای قرآن خواندن و یا گریه های شبانه ای از خواب بیدار می شد.» آری، شهادت زینبیده مؤمنی چون اوست و شهید نامی برازنده برای مردانی همانند او.

**وصیت نامه شهید**  
 بسم الله الرحمن الرحیم  
 سلام علیکم  
 حسین جانم بابا به قریونت، درد و بلا به جوتم، بابا من خیلی دوست دارم، بابا جان وقتی این نامه رو می خوانی من حتماً پیشت نیستم ولی روحاً در هر زمان و مکان در کنارتم، نکنه بابا یک وقت احساس دلنگی کنی عزیز دلم دورت

نگذشته بود که در شب اربعین سالار شهیدان، امام حسین (علیهم السلام)، در منطقه جنوب حلب، به درجه رفیع شهادت نائل آمد.

**وصیت نامه شهید**  
 با هدف نابودی دشمن، ان شاء الله، راهی سرزمین سوریه، و دفاع از حرم عمه سادات (علیهم السلام)، هستم. اگر توفیق شهادت داشتم، از همه دوستان و آشنایان حالیت می طلبم و از پدر و مادرم معذرت خواهی می کنم، که در طول ۲۰ سال زندگی، بچه خوبی برایشان نبودم.

برای دوستان، آشنایان و کسی که از من توصیه ای بخواهد، می گویم که رضایت «الله» تبارک و تعالی، از رضایت هر کس مهم تر است و اولویت دارد. در کلامی دیگر، اصلاً قابل مقایسه نیست. از کار شهید ناک، پرهیز کردن واقعاً هنر است و دعا کنیم که نصیبمان شود.

از شما می خواهم که برای نابودی استکبار جهانی، (آمریکا، اسرائیل، عربستان)، دعا کنید، که ان شاء الله، با نابودی این ها، ظهور، زمینه سازی خواهد شد.

مبلغ ۵۰۰ هزار تومان کارت بانکی بنده را، به کار فرهنگی کمک کنید که خیالم راحت باشد.

وعده دیدار ما، بهشت جاویدان الله، ان شاء الله و در آخر دعا برای دیگران را فراموش نکنید، و برای سلامتی و ظهور حضرت حجت (علیهم السلام)، دعا کنید، و برای بنده حقیر طلب آمرزش کنید.

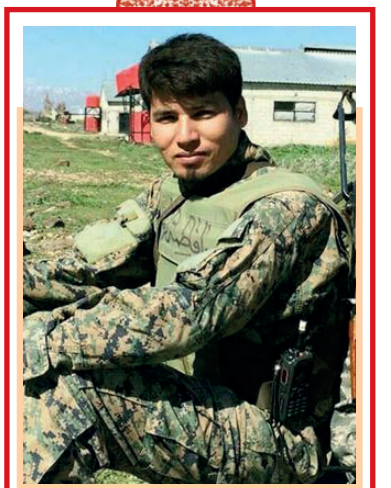
روحش شاد و راهش پربرورد

داشته باش در انتخاب دوستات دقت کن دوستات را بیشتر از بچه مسجدی ها انتخاب کن در کارها شخص دوستی روانتخاب و با اون مشورت کن که در اولویت مامانت هست در آخر خیلی دوست دارم عاشقت هستم. ۱۳۹۲/۱۲/۲۱

این جانب مصطفی خلیلی بلوطگی شما را به رعایت تقوای الهی تذکر می دهم و از شما می خواهم که در هر حالی و زمانی و مکانی حواسمان به رعایت تقوا و دوری از گناه باشد، خواهر من رعایت حجاب بر شما واجب است و برادر من رعایت عفت نیز بر شما واجب است، این فکر را نکنید که ما در راهی که قدم برداشتم راهی کم ارزش است بلکه رفتن ما برای این جهاد دفاع از حریم ولایت و اهل بیت و مظلومیت شیعه و در کل مظلومیت مردم سوریه بوده است، مطمئن باشید اگر من و امثال من به این جهاد نمی رفتند ما باید الآن در مرزهای خودمان با این قوم از خدا بی خبر می شدیم و این بمب ها و تیرها بر سر مردم خودمان فرود می آمد پس کار ما دفاع از حریم مردم خودمان است، وقتی این وصیت را خواندی از خدا می خواهم که نوشته های من تأثیر خودشان را بر شما عزیزان بگذارد. عزیزان به این نکته حتماً توجه کنید هر کسی با هر اعتقادی هستیذ پیرو خط ولایت فقیه باشید و از رهبر عزیزمان، مولا و سرورمان حضرت سید علی خامنه ای (دام ظلّه) پشتیبانی و حمایت کنید گوشتان به فرامین ایشان باشد و عامل به نصیحت ها و صحبت های ایشان باشد خط حق و راست را از ایشان دریافت کنید و ایشان را معیار و میزان قرار دهید.

روحش شاد و راهش پربرورد

بگردم خیلی دلم برایت تنگ شده بابا این رو قول می دهم که کاری بکنم من رو ببینی بابا جان چند نکته رو خواستم برایت بگویم از تو خواهش می کنم به این مطالب خوب دقت کن و انجامشون بده اول این که به نمازت اهمیت بده و همیشه نمازت رو اول وقت بخون پسر گلم اون دنیا اولین چیزی که ازت می پرسن و طلب می کنن نمازت است پس این رو انجام بده دوماً بابا همیشه فردی متخلق و باادب باش در هر حال احترام بزرگ تری رو داشته باش (به خصوص مامانت) هیچ وقت به مامانت بی احترامی نکن حتی اگه زد زیر گوشت به آه هم بهش نگو سوماً بابا جان به درس خواندن خیلی اهمیت بده که فردی مفید برای جامعه ات بشی به درد رهبری و امام زمانت بخوری بابا اگه من به این جهاد رفتم به خاطر خدا و از بین بردن خوارچ زمان بوده به خاطر احساس تکلیف بوده درد دین و مظلومیت مردم اون کشور و شیعیان و دفاع از حرم حضرت زینب و حضرت رقیه (علیها السلام) است نکنه توی ذهنت بیاد آه بابا نیاید می رفت حسین جان از خدا می خواهم که بهت بصیرت و بینش زیاد و محکمی بده بابا نذار جو جامعه روت تأثیر بذاره و تورت از راه راست خارج کنه بابا همیشه پشتوانه رهبری باش و راحت راه رهبر باشه بابا ارتباطت رو با خدا خیلی قوی کن و همیشه در کارها توکل کن به خدا (حسینا الله نعم الوکیل نعم - المولی و نعم النصیر) (فتوکل علی الله فهو حسبه) و بعد توسل به اهل بیت (علیهم السلام) بابا به مراسمات اهل بیت (علیهم السلام) حتماً شرکت کنید حسین تورو خدا عصبانی نشو (سریع عصبانی نشو) همیشه کلمه غیض کن و برعصبانیت تسلط داشته باش بابا جان دغدغه و درد دین



طلبه شهید  
رضا بخشی

تاریخ تولد: ۱۳۶۵/۷/۹  
تاریخ شهادت: ۱۳۹۳/۱۲/۹  
تحصیلات: سطح ۳  
محل شهادت: سوریه، حومه درعا، عملیات تل قرین  
مزار شهید: مشهد مقدس، بهشت رضا

زندگی‌نامه

رضا بخشی در شهر مقدس مشهد و در خانواده‌ای متدین و مذهبی، به دنیا آمد. وی از همان کودکی در کلاس‌های فرهنگی مسجد محل زندگی خویش حضور پرزنگ داشت. تأثیر فضای معنوی مسجد در کنار تعهد خانوادگی، رضا را بر آن داشت تا در کنار تحصیلات معمول خود، به فراگیری دروس حوزوی نیز مشغول شود و نشان سربازی امام زمان (عج) را بر تن و جان خود حک نماید. از همین رو، دروس مقدماتی حوزه را در مدرسه حضرت قائم (عج) سپری کرد و در حوزه علمیه مشهد، مشغول تحصیلات حوزوی گشت. جمع میان حوزه و مدرسه و بعداً حوزه و دانشگاه، با توجه به استعداد بالایی که رضا داشت، موجب نشد از هر کدام از این دو بازماند؛ بلکه او با قوت هرچه تمام‌تر، هر دو عرصه را با موفقیت طی می‌کرد. رضا که تحصیلات حوزوی و دانشگاهی را مکمل هم می‌دانست، در ادامه، وارد جامعه المصطفی العالمیه شد و در رشته علوم قرآن و حدیث، ادامه تحصیل داد. شاید سبب این همه توفیق، اخلاق و رفتار خوش رضا با خانواده و اطرافیان بود؛ او نسبت به پدر و مادر خود تواضع و خاکساری خاصی داشت و اخلاق و رفتار اسلامی‌اش در میان دوستان و آشنایان زبانزد بود. رضا، نسبت به امام زمان (عج) عشق و علاقه‌ای ویژه داشت و در راه سربازی او، نثار جان را هم اندک می‌دانست. وی هم‌چنین اهل مطالعه و تحقیق بود و به کتاب‌های استاد شهید عبدالکریم هاشمی‌نژاد و کتاب‌های استاد شهید مرتضی مطهری علاقه وافر داشت.

هوش سرشار و استعداد بالای رضا، همراه با توکل و تلاش ویژه‌اش، موجب شد، بورسیه تحصیلی او برای تحصیل در مسکو قطعی شود؛ اما در همین اثنا بود که خبر تهدید حرم حضرت زینب (عج) را شنید و وظیفه خود را چیز دیگری یافت. او که غیرت دینی مثال‌زدنی داشت، بی‌درنگ، برای دفاع از حرم اهل بیت (عج) عازم سوریه شد و با نام جهادی فاتح، فاتح قله‌های روحانی و معنوی شد و جام شهادت را سر کشید. رضا در ایام شهادت حضرت زهرا (عج)، در سن بیست و هفت سالگی مصادف با روز شنبه، نهم اسفند سال ۱۳۹۳ در راه دفاع از حرم دخت بزرگوار حضرت زهرا (عج)، در درگیری با تروریست‌های ملعون تکفیری در جریان آزادسازی عملیات تل قرین در حومه درعا دعوت حق را لبیک گفت و نام خود را تا ابد، بر تارک حماسه و جهاد، ماندگار ساخت.

روحش شاد و راهش پر رهرو باد

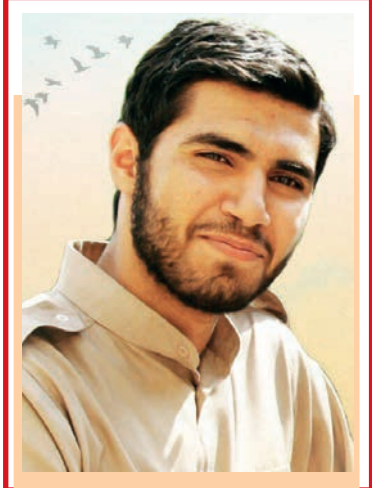
- تاریخ تولد: ۱۳۷۴/۱/۲۷
- تاریخ شهادت: ۱۳۹۴/۸/۲۱
- تحصیلات: مقدمات حوزه
- محل شهادت: سوریه، حلب، العیف
- مزار شهید: تهران، امام‌زاده علی‌اکبر چیدر

زندگی‌نامه

محمد رضا دهقان امیری در بیست و هشتم فروردین ماه سال ۱۳۷۴ در استان تهران دیده به جهان گشود و تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان خود را در همان شهر سپری نمود. راهیابی محمد رضا، به دبیرستان علوم و معارف اسلامی امام صادق (عج) و تعمق و تفکر او در مباحث دینی را بایستی نقطه عطف زندگی او دانست. محمد رضا پس از تحصیل در رشته علوم و معارف اسلامی و گذراندن دوره پیش‌دانشگاهی، وارد مدرسه عالی شهید مطهری شد و در رشته فقه و حقوق اسلامی، مشغول به تحصیل گشت. تحصیل در محیط‌های فرهنگی، مذهبی و هم‌چنین شرکت در کلاس‌ها و جلسات مذهبی، تأثیر بسزایی بر اخلاق، منش و عقاید محمد رضا گذاشته بود. او که از فرزندان نسل چهارم حضرت روح‌الله (عج) بود، با دغدغه‌های ایمانی و انقلابی خود، پس از حمله دژخیمان تکفیری به سوریه، برای دفاع از حرم اهل بیت (عج) رهسپار سوریه شد و به‌عنوان بسیجی تکاور، به خیل عظیم مجاهدان مدافع حرم پیوست.

از صفات بارز اخلاقی محمد رضا می‌توان خوش خلقی و خلوص نیت در انجام وظایف دینی و امور خیر را بر شمرد که چه بسا همین اخلاص و زلالی در عمل، موجب عروج او به آسمان شهادت گشت.

محمد رضا پس از جندی مبارزه و جهاد با تروریست‌های تکفیری، در بیست و یکم آبان‌ماه سال ۱۳۹۴ هم‌زمان با آخرین روزهای ماه محرم الحرام در نبرد سنگینی که در حومه حلب طی عملیات محرم در گرفته بود، خلعت شهادت پوشید و به فوج عظیم شهدا پیوست. پیکر پاکش، بیست و پنجم آبان‌ماه، در امام‌زاده علی‌اکبر چیدر به خاک



طلبه شهید  
محمد رضا دهقان امیری

سپرده شد و یاد و خاطرش برای همیشه، ماندگار و جاودان شد.

وصیت‌نامه شهید

بسم الله الرحمن الرحيم  
وَقَدْ تَيَّأْتُ بِذِيحٍ عَظِيمٍ  
ما ذیح عظیمی را فدای او کردیم. (سوره مبارکه صافات، آیه ۱۵۷)

این‌جانب، محمد رضا دهقان امیری، فرزند علی، در سلامت کامل روانی و جسمی و در آرامش کامل شهادت می‌دهم به یگانگی حضرت حق و شهادت می‌دهم به دین مبین اسلام و قرآن و نبوت خاتم‌الانبیاء حضرت محمد (ص) و امامت امیرالمؤمنین حیدر کرار علی بن ابی‌طالب (عج) و یازده فرزند ایشان که آخرینشان حضرت حجت قائم

آل محمد (عج) برپاکننده عدل علوی در جهان و منتقم خون مادر سادات خانم فاطمه الزهرا (عج) می‌باشد. (اللهم عجل لولیک الفرج)  
با سلام بر همه دوستان و آشنایان و اقوام و... این حقیر از همه شما عزیزان تقاضای حلالیت دارم و تشکر می‌کنم از پدر و مادر عزیزتان، که تمام تلاش خود برای نشان دادن راه سعادت به فرزندشان انجام دادند و این حقیر حتی نتوانستم قدر کوچکی از این فداکاری‌ها را پاسخ دهم. از این دو بزرگوار حلالیت می‌خواهم و از صمیم قلب نیازمند دعایشان هستم. و تشکر می‌کنم از برادر عزیزم و امیدوارم که شهادت و روحیه جهادی را سرلوحه خود قرار دهد و هم‌چنین خواهر عزیزم و حامی همیشگی من که نهایت لطف را بر من داشته است و من فقط با بدی پاسخش را دادم امیدوارم هم‌اکنون نیز دعایت را از برادرت دریغ نکنی و همیشه به یادش و زینب‌گونه پایداری کنی.

از همه دوستان دانشگاه و مسجد و استادان و مربیانم و... درخواست حلالیت دارم و از شما دوستان می‌خواهم این حقیر را از دعای خیرتان محروم نفرمایید و اگر کوتاهی کردم در حق شما عزیزان، به بزرگواری خود عفو کنید و از حقی که برگردم دریغ نگذرید.

بر اساس آیه مبارکه ۱۵۶ سوره بقره،  
الَّذِينَ إِذَا أَصَابْتَهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ،  
آن‌ها که هرگاه مصیبتی به آن‌ها رسد می‌گویند: ما از آن خدا هستیم و به سوی او بازمی‌گردیم.  
صبر را سرلوحه کار خود قرار دهید و مطمئن باشید که هر کسی از این دنیا خواهد رفت و تنها کسی که باقی می‌ماند خداوند متعال است اگر دلتان گرفت یاد عاشورا کنید و مطمئن باشید غم شما از غم ام‌المصائب خانم زینب کبری (عج) کوچک‌تر هست روضه اباعبدالله و خانم زینب کبری فراموش نشود و حقیقتاً مطمئن باشید که تنها با یاد خداست که دل‌ها آرام می‌گیرد.

روحش شاد و راهش پر رهرو باد



طلبه شهید  
سید تهذیب الحسینی



طلبه شهید  
سید حشمت علی



طلبه شهید  
سید محمد حسین رضوی



شهید حجت‌الاسلام  
محمد حسین مؤمنی



طلبه شهید  
سید تقی شمس



طلبه شهید  
عون علی



طلبه شهید  
وجاهت علی

- تاریخ تولد: ۱۳۶۱/۱۰/۱۷
- تاریخ شهادت: ۱۳۹۵
- تحصیلات: سطح یک
- محل شهادت: سوریه، حلب
- مزار شهید: جاویدا اثر

زندگی‌نامه

سیدعلی حسینی از دانش‌آموختگان جامعه المصطفی العالمیه است که یک‌سال در افغانستان به تحصیل دروس حوزوی پرداخت و پس از آن در جامعه المصطفی العالمیه مشهد ادامه تحصیل داد.

سیدعلی جوانی ساده‌زیست و بی‌آلایش بود و در رفتار و کردارش تقوا نمایان بود. او که سه فرزند دارد دفاع از حرم اهل بیت (عج) را فریضه‌ای واجب بر شمرده و برای جهاد با تکفیری‌ها عازم سوریه شد و در بهار سال ۱۳۹۵، نام خود را جاودانه ساخت.

روحش شاد و راهش پر رهرو باد



شهید حجت‌الاسلام  
سیدعلی حسینی



طلبه شهید  
محمد مسرور

- تاریخ تولد: ۱۳۶۶/۱/۱
- تاریخ شهادت: ۱۳۹۴/۱۱/۱۶
- تحصیلات: سطح ۱
- محل شهادت: سوریه، حلب، روستای ذیطان
- مزار شهید: استان فارس، کازرون، گلزار شهدای بهشت زهرا

زندگی‌نامه

محمد مسرور که در سال ۱۳۶۶ دیده به جهان گشود، از ارادتمندان و دوست‌داران مخلص اهل بیت بود که بالاخره نیز در راه دفاع از حرم آن بزرگواران، در نبرد با تکفیری‌های پلید، به مقام بلند شهادت رسید. مادر همسر شهید مسرور، که از نزدیک با روحیات و اخلاق و منش او آشنا است در وصف داماد شهیدش چنین می‌گوید:

«به جرات و بدون هیچ اغراقی می‌توانم بگویم که محمد تمام صفات اولیای خدا را داشت؛ در اطراف خود مؤمنانی را می‌بینم که در چند صفت خاص مؤمن هستند و در چند صفت دیگر، نقص‌هایی دارند؛ ولی شخصیت محمد عزیز ما از این مؤلفه‌ها تشکیل شده بود. ایمان به خدا، توکل به خدا، عشق به شهادت، رسیدگی به امور شهدا، رسیدگی به خانواده شهدا، دلسوزی و مهربانی، باحیایی و ادب، تقید به نماز اول وقت، ارادتمندی به معصومین (عج) و عشق به کریلا، محمد، ظاهری آراسته و همیشه عطرآگین داشت؛ در مسافرت‌هایی که داشت، نکته‌ای که توجه مرا به خودش جلب می‌کرد این بود که همیشه شانه به همراه داشت و موهای خود را مرتب شانه می‌کرد، او اهل نماز شب بود و از ریا دوری می‌کرد و در مجالس گناه شرکت نمی‌کرد. او ساده‌زیستن را دوست داشت و از اسراف بیزار بود.

در طول چند ماهی که محمد داماد ما بود، بارها خوش اخلاقی و خوش رفتاریش را به اثبات رسانیده بود. او همیشه خود را مدیون خانواده‌اش می‌دانست؛ گاهی می‌گفت: «شرمندم که برای زهرا کاری نکرده‌ام!!» و مادر پاسخش می‌گفتیم فقط اخلاق و رفتار تورا بایمان کافی است.

فرازی از وصیت‌نامه

به نام خدایی که اول آن را اولی نیست و آخر آن (را) آخری نیست. خدایی که دل را آفرید تا به‌وسیله آن او را بخوایم.

آری شهواره وصول به خدا دل است. پس باید کوشید که دل را پاک کرد و گرد و غبار تعلقات را از دل شست که دلی که در آن تعلقات باشد به خدا وصل نمی‌شود.

الهی دل من جای جای آن (را) گرد و غبار تعلقات گرفته است. خدایا شکرست که ما را در باب جهاد وارد کردی تا گرد و غبار تعلقات را از دل ما بزدایی. خدایا چه آرام‌بخش (است) از خلق بریدن و به تو پیوستن. الهی حب لی کمال انقطاع الیک و - انر- ایضاً بنصیایه نوره

خدایا عمری است سرگردان در وادی نفس حیران بودم. تو بودی که دست مرا گرفته‌ای و به وادی خودت رهنمود کردی. خدایا اینک گذشته خود را می‌نگرم جز سباهی در خود نمی‌بینم. آری سباهی گناه که دفتر عمر من را سیاه کرده است ولی امیدوارم به عفو و بخشش تو که نامه اعمال مرا قلم عفو بکنی و مرا به جوار قرب خود داخل کنی که جای امنی غیر از جوار قرب تو نیست. الا بذكر الله تطمئن القلوب

به نام خداوند وصیت خود را شروع می‌کنم: حقیقتاً من خود را کوچک‌تر از آن می‌دانم که وصیت اخلاقی کنم چون خودم سرایا عیب و نقص هستم و از این امور صرف‌نظر می‌کنم. ائمه اطهار و قرآن به اندازه کافی نکات اخلاقی را تذکر داده‌اند. و اما از برادران و هر کس از من بدی و آزاری دیده است (می‌خواهم) به بزرگواری خودش مرا ببخشد. ان‌شاء الله خداوند هم از همه تقصیر ما بگذرد.

روحش شاد و راهش پر رهرو باد